

## یورش ماموران امنیتی رژیم به اجتماع کانون نویسندگان ایران در تهران

\* ماموران امنیتی اسناد و منشور جدید کانون نویسندگان را توقیف کردند

شاعران و نویسندگانی که قرار بود منشور جدید را پیش از انتشار امضا کنند، توقیف کردند. ماموران امنیتی در پایان بازجویی ۵ ساعته دستگیرشدگان، به آنان گفتند که مجاز به انتشار منشور جدید و فعالیت به نام کانون نویسندگان نیستند و حق ندارند برای احیای کانون اقدام کنند. جلسه تشکیل دهند و یا فهرست اسامی شاعران و نویسندگانی که می‌خواستند منشور جدید و فهرست اسامی ۲۵۰ نفر از

گلشیری، منصور کوشان، محمد بهارلو، رضا براهنی، فرزانه طاهری، کامران جمالی، حسین اصغری، کاوه گوهرین، روشنگر داریوش، محمد محمد علی و علی سپانلو شرکت داشتند. ماموران وزارت اطلاعات در این یورش گسترده و سازمان یافته به کانون نویسندگان ایران، متن منشور جدید، صورت جلسات بحث‌های اعضای کانون، اظهارات شاعران و نویسندگان کشور در باره منشور جدید و فهرست اسامی ۲۵۰ نفر از

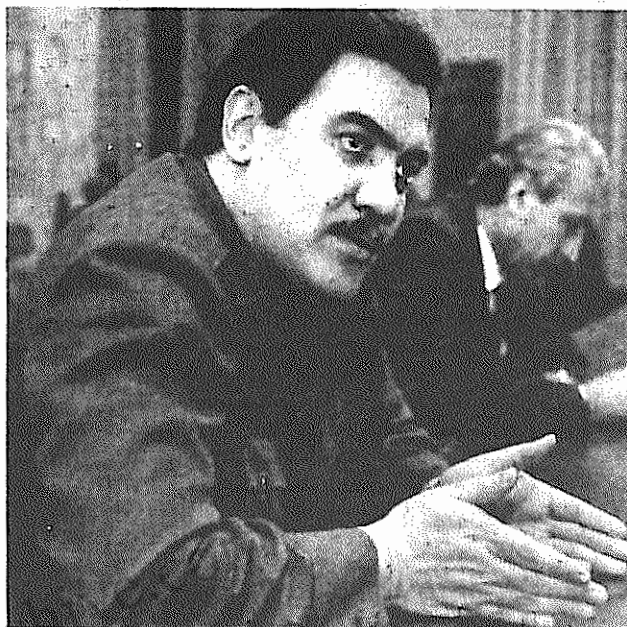
ماموران اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۲۵ شهریور در تهران به اجتماع شاعران و نویسندگانی که به قصد تصویب نهایی منشور کانون نویسندگان ایران در خانه منصور کوشان سردبیر ماهنامه توقیف شده «تکاپو» گرد هم آمده بودند، مسلحانه یورش بردند و شرکت‌کنندگان در این نشست را که ۱۳ نفر بودند، دستگیر کردند. ماموران امنیتی رژیم دستگیرشدگان را به یکی از «ساختمانهای امن» وزارت اطلاعات در حوالی نمایشگاه بین‌المللی تهران بردند و یکایک آنان را از ساعت ۱۰/۵ شب یکشنبه تا بامداد روز دوشنبه به طور انفرادی مورد بازجویی قرار دادند.

بنا بر گزارش‌های رسیده، در نشست بررسی نهایی منشور کانون نویسندگان، محمد مختاری، فرج سرکوهی سردبیر مجله آدینه، هوشنگ

## طالبان به کمک پاکستان کابل را تسخیر کرد

\* دکتر محمد نجیب‌الله و برادرش به دست طالبان به قتل رسیدند  
شورای امنیت سازمان متحد این قتل را محکوم کرد  
\* طالبان دو سوم افغانستان را در کنترل خود دارد

در صفحه ۱۲



## بیانیه شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) پیرامون فجایع اخیر در افغانستان

پس از پنج روز جنگ خونین در اطراف کابل، سرانجام پایتخت افغانستان به تسخیر گروه طالبان - این ارتجاعی‌ترین گروه در میان مجاهدین افغانی درآمد. حکومت ائتلافی ربانی - حکمتیار در آستانه سقوط کابل اعلام کرد که برای جلوگیری از خسارت‌های بیشتر قوای خود را از پایتخت بیرون می‌کشد. در جریان این جنگ شدید، بیش از چند هزار نفر کشته . بقیه در صفحه ۲

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

توطئه علیه نویسندگان، شعرا و هنرمندان کشور

در صفحه ۳

## افشای جزئیات توطئه ترور دست‌جمعی نویسندگان کشور

ماموران امنیتی می‌خواستند اتوبوس حامل ۲۱ نفر از نویسندگان را به دره سرنگون کنند

عاملین توطئه قتل نویسندگان پس از بازداشت کوتاه مدت آزاد شدند

مانند جمهوری اسلامی قصد داشت اتوبوس حامل ۲۱ نفر از شاعران و نویسندگان سرشناس کشور را بر اساس طرح پیش‌بینی شده، در راه ایران به ارمنستان، در جاده آستارا به قهر دره سرنگون سازد و مسافران آن را به قتل برساند. در اجرای این توطئه وزارت اطلاعات، افرادی از سفارت ارمنستان در تهران، شخصی به نام سیمونیان و یکی از بستگان هاشمی رفسنجانی دست داشتند.

بقیه در صفحه ۳

کینه تیزی رژیم علیه نویسندگان مستقل در ماه‌های اخیر چنان ابعادی یافته که آشکارا برای ترور دسته جمعی آنان توطئه می‌چینند. چند هفته پیش یکی از توطئه‌های جمهوری اسلامی برای کشتار جمعی شاعران و نویسندگان داخل کشور با سرعت عمل و هوشیاری آنان خنثی شد و رژیم در هدف شوم خود که قصد نابودی نویسندگان و شاعران و وارد آوردن ضربه سنگین و جبران ناپذیر بر فرهنگ ایران را داشت، ناکام

رهبران جمهوری اسلامی، نویسندگان و شعرا: هوشنگ گلشیری، محمد مختاری، سیمین بیهیانی، علی سپانلو، رضا براهنی، فرج سرکوهی، شاهرخ توپسرکانی، نصرت رحمانی، منصور کوشان، ژیللا مساعد و صدها شاعر و نویسنده دیگر را که برای حفظ و اعتلای فرهنگ و ادب ایران از جان و زندگی خود مایه می‌گذارند، «معاند» می‌خوانند و همچنان سرگرم تشدید اعمال فشار، آزار و اذیت آنان هستند.

قبل از توافق با بغداد، تهران یا آنکارا

## رهبران کرد به آشتی با یکدیگر نیاز دارند

کابینهی موقت مشارکت دهند و از سوی دیگر باب مذاکرات با آنکارا و واشینگتن را برای جلب حمایت بین‌المللی بگشایند. کابینهی پیشنهادی مسعود بارزانی مشکل است از دو وزیر از حزب کمونیست، یک وزیر از حزب ترک‌های شیعه متقیم کردستان، یک وزیر از حزب ترک‌های سنی متقیم کردستان، و دو وزیر از جامعه آسوریان کردستان و بقیه از کردها.

مسعود بارزانی گفته است: «با نیروهای فعال در کردستان باید به عضویت کابینه درآیند و یا کردستان را ترک کنند.»

بارزانی در سفر اخیر خود به ترکیه با تنسو چیلر وزیر خارجه ملاقات و در باره مسائل مورد توجه طرفین نیز بقیه در صفحه ۳

دو هفته پیش نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی، در حالی که یک ستون از افراد مسلح سازمان مجاهدین خلق ایران پیش قراول حمله بود، با پشتیبانی ارتش صدام، اربیل پایتخت کردستان عراق را مورد حمله قرار دادند. شلیک تروپ و گلوله تلفات جانی و مالی سنگینی به جای گذاشت. اربیل به دست بارزانی‌ها افتاد. آن‌ها سپس با حمایت لجیستیک بغداد، سلیمانیه و دیگر شهرهای عمده کردستان عراق را تحت کنترل خود درآوردند.

پس از این تحول عمده طی دو هفته اخیر دموکرات‌ها که بر سراسر کردستان با پشتیبانی صدام مسلط شده‌اند از یک سو کوشیده‌اند سایر نیروهای فعال در کردستان را در یک

## جمهوری اسلامی در مقابله با "تهاجم فرهنگی"

توطئه قتل شماری از نویسندگان و هنرمندان کشورمان در جریان مسافرت آنها به قصد ارمنستان که جزئیات آن اخیراً فاش شد، تشدید فشار بر مطبوعات مستقل و تعطیل کردن برخی از آنها، اعمال سانسور کم‌سابقه بر انتشار کتاب، مطرح کردن دوباره ضرورت "تصفیه" و اسلامی کردن دانشگاه‌ها و فعالیت تشدید دستگاه تبلیغاتی ولایت فقیه علیه آنچه تهاجم فرهنگی می‌خوانند، همه و همه نشانگر آن است که رهبری جمهوری اسلامی و در رأس آن، آخوندهایی که زیر پرچم خامنه‌ای گرد آمده‌اند و از چهره‌های برجسته آنها می‌توان به عنوان نمونه، جنتی را نام برد، نیروی سرکوبگر رژیم را در جبهه فرهنگی متمرکز کرده‌اند. محور برنامه تلویزیونی "هویت" نیز که در بهار و تابستان امسال، از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش شد، "تهاجم فرهنگی" بود. تمام تلاش گردانندگان این برنامه این بود که به "امت حزب‌الله" نشان دهند آنچه در چارچوب فعالیت‌های فرهنگی، هنری و مطبوعاتی در داخل کشور، اما خارج از مرزهای ایدئولوژیک تنگ نظام ولایت فقیه صورت می‌گیرد، از سوی کشورهای بیگانه با فعالیت‌های جمهوری اسلامی است. بدین کشور هماهنگ شده است و هدفش، ساقط کردن جمهوری اسلامی است. بدین منظور، گردانندگان برنامه هویت به آرشيو زندان اوین هم متوسل شدند و با نشان دادن فیلم‌هایی از بازجویی قربانیان سرکوب و شکنجه، دست خود را به عنوان اعضای دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی رو کردند. در میان این فیلم‌ها، "اعترافات" فردی نیز به نمایش گذاشته شد که می‌گفت مأمور سازمان اطلاعاتی آمریکا بوده و "تهاجم فرهنگی" را در ایران سازماندهی می‌کرده است.

همه شواهد نشان می‌دهد که رژیم ولایت فقیه برای سرکوب فرهنگی، تدارکی بس گسترده دیده است. برای پیشبرد این سرکوب، وسایل دولتی و رسمی را کافی ندانسته‌اند و با به راه انداختن "انصار حزب‌الله"، جبهه‌ای ظاهراً "جنبشی" و "مردمی" نیز در این کارزار گشوده‌اند. در کنار این گروه‌های فشار، ارگان‌های دولتی نیز در مقابله با "تهاجم فرهنگی" انجام وظیفه می‌کنند. وزارت ارشاد به ویژه از هنگام روی کار آمدن میرسلیم از عناصر مورد حمایت خامنه‌ای، بر سانسور به شدت افزوده است. مأموران ممیزی، کتاب‌هایی را که در سال‌های اخیر بارها چاپ شده‌اند، از تجدید چاپ باز داشته‌اند. کتاب‌هایی را میلیون‌ها تومان خرج چاپ آنها شده است، محکوم به خمیر شدن می‌کنند. در یک مورد، ترجمه یک دائرةالمعارف نویسندگان جهان را تنها به صرف آنکه از نویسندگان مسلمان نامی نبرده است، محکوم به خمیر شدن دانسته‌اند. رسم شده است که اشخاص حقوقی و حقیقی حزب‌اللهی ظاهراً مستقل از حکومت، از مطبوعات مستقل به "دادگاه مطبوعات" شکایت می‌کنند و این دادگاه معمولاً مطبوعات را محکوم به تعطیلی و یا مسئولان آنها را به کیفرهای سنگین مانند جرایم نقدی و خوردن شلاق محکوم می‌کند.

در سطح وسیع‌تر، باید از عملیات هرازگاهی نیروهای سرکوبگر رسمی (نیروی انتظامی) و نیمه‌رسمی (بسیج) و غیر رسمی (انصار حزب‌الله) علیه مردمی نام برد که تنها گناه آنها، به سر کردن روسری رنگی، نگاه کردن کنال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، معاشرت و گفتگو با جنس مخالف و مواردی نظیر آن است.

در اینجا این سؤال به ذهن خطور می‌کند که رژیمی که ماشین جهشی اعداد و زندانش ۱۷ سال است که به راه است و برای سرکوب سازمان‌های سیاسی، موج‌ها از خون به راه انداخت، چرا هنوز در مقابله با "تهاجم فرهنگی" خود را محتاج به

### در این شماره

#### ● تلخ

نه هم چون همه تلخی‌ها

نیما پرورش

صفحه ۷

#### ● همه بلا تکلیف بودیم

ق. آزاد

صفحه ۷

#### ● اقتدارگرایی دینی

#### مبادلات دینی

وقدرت در ایران امروز

مجید محمدی

صفحه ۸

#### ● زنان در الجزایر

مرکز در کمین است

صفحه ۶

#### ● خشونت و جنایت

فزاینده تهدیدی

برای سلامتی جامعه

صفحه ۵

بیانیه شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

### پیرامون فجایع اخیر در افغانستان

بازخمی شده‌اند که اکثر آنها از اهالی بی‌دفاع شهر کابل می‌باشند. قوای طالبان مجیزه به جنگ‌افزارهای مدرن و تقویت شده با ملیشای نظامی پاکستان. نزدیک به یک هفته تمام شبانه‌روز این شهر ویران را زیر موشک باران گرفته، آن را ویران‌تر کردند و امان از مردم این شهر بریدن. با ورود نیروهای این گروه به کابل، بخش بزرگی از اهالی شهر سراسیمه خانه و کاشانه خود را ترک گفتند که هم‌اکنون در بیابانهای اطراف شهر سرگردان هستند.

نیروی طالبان به محض ورود به کابل، در نخستین اقدام خودگستاخانه وارد حریم سازمان ملل متحد شده و دکتر نجیب‌الله رئیس‌جمهور پناه گرفته در دفتر این سازمان در کابل را به همراه برادرش احمدزی، به اسارت گرفتند. آنها درست به شیوه‌های قرون وسطایی، دکتر نجیب و برادرش را طناب‌پیچ کرده و در طول چند خیابان شهر به مقصد میدان آریان با ریسمان بسر روی زمین کشیدند و در پی شکنجه‌های وحشتناک در برابر انتظار مردم، این دو را تیرباران و جسدشان را در برابر مقر ریاست جمهوری آویزان کردند.

اقدام بعدی طالبان اعلام اجرای موازین شرع در شهر کابل بود. طبق مقررات اعلام‌شده از سوی این نیروی فوق‌ارتجاعی که نظارت بر اجرای آنها بر عهده یک هیئت شش نفری است، از این پس زنان ما حق اشتغال در ادارات را ندارند و هر زنی که بدون رعایت حجاب کامل شرعی از منزل بیرون بیاید طبق دستورات شرع به سختی مجازات خواهد شد.

استقرار نیروی طالبان در کابل، اوج روند فساجه‌باری است که سالهاست مردم کشور همسایه ما افغانستان را دربر گرفته است. مصیبت افغانستان بلازده هرگز چنین ابعادی به خود نگرفته بود و آسمان تیره افغانستان هیچگاه چنین ظلمانی نشده بود.

جریان طالبان که هسته اصلی آن را طالب پشتون آموزش دیده در حوزه‌های دینی پاکستان تشکیل می‌دهد، دست‌نخست مستقیم محافل نظامی پاکستان و ارگان امنیتی این کشور است. این جریان، در پی ناکامی جمعیت اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار که نزدیکترین گروه مجاهد افغانی به محافل نظامی پاکستان بود، به نحو خلق‌الساعه در صحنه سیاسی افغانستان سربرآورد. این نیرو تسلیمات خود را از ارتش پاکستان گرفته، زیر نظر آن سازمان یافته و در هر عملیات بزرگ از جمله تسخیر شهر جلال‌آباد در ۲۱ شهریور و تصرف کابل در ۵ مهر از حمایت لجستیکی پاکستان برخوردار بوده است. تأمین مالی این جریان در یک توافق بین پاکستان و عربستان سعودی، برعهده شیوخ سعودی قرار گرفته بود. دو رژیم پاکستان و عربستان سعودی، اینک ظاهراً موفق شده‌اند که قدرت سیاسی در افغانستان را به نفع خود رقم بزنند، دست‌پروردگان خود را بر آرینکه قدرت در کابل بنشانند و افغانستان را به بدترین بلای سیاسی دچار کنند.

افغانستان، نیازمند حکومتی مستقل، با ثبات و یاسدار یکپارچگی کشور و در همانحال واقع‌بین نسبت به موقعیت جغرافیایی سیاسی این کشور است تا بتواند با پیش گرفتن سیاستی متعادل با همه کشورهای منطقه، مناسبات مودت‌آمیز و حاوی منافع متقابل را پیش ببرد.

اما جریان وابسته‌های چون طالبانی که تا مغز استخوان وابسته به ارتش پاکستان و دنیاهای عربستان سعودی است، تماماً علیه چنین الزامی در افغانستان علی‌الرأس در راس آنها آمریکا که در دوره جنگ سرد از هیچ تفسیhi برای به زانو درآوردن شوروی در افغانستان و سرنگونی حکومت دکتر نجیب باز نایستادند و با همه قوا در آتش جهاد اسلامی دمیدند، پس از نیل به اهداف خود، کشور مصیبت زده و شعله ور در آتش جنگ داخلی را به حال خود رها نمودند. دولت آمریکا که هر کجا منافع مستقیم آن ایجاد کند، از انواع لشکرکشی و بمباران‌های هوایی تا اقسام حیل دیپلماتیک سود میجوید، سالیهاست موضوع افغانستان را از سیاست خارجی فعال خود حذف کرده است. بعلاوه آمریکا باید به این سؤال همچنان مطرح پاسخ دهد که چگونه است که درست در آستانه بازدهی تلاش‌های نامیده سازمان ملل متحد برای تأمین صلح و آراه راه حل مورد قبول احتمالی برای بسیاری از

جریانی چون طالبان که مشخصه آن سنی‌گرایی افراطی و تعلق به تیره جنوبی پشتون‌هاست، پیش از هر جریان سیاسی در افغانستان استعداد راندن این کشور به پرتگاه تجزیه ملی و مذهبی را دارد.

افغانستان مستحق حکومتی است که در پی سالیها ادامه بی‌قانونی، قانون‌شکنی، هرج و مرج، و خشنودت‌های لجام‌گسیخته در این کشور، پیام‌آور حاکمیت قانون، مدنیت و مدارا باشد. و طالبان، با ورود خودسرانه به مقر سازمان ملل متحد، قسوت‌های غیرقابل وصف در جریان شکنجه و اعدام بدون محاکمه دکتر نجیب و برادرش، و با صدور فرمان قرون وسطایی علیه زنان، از همان بدو امر نشان دادند که از چه قماش هستند.

افغانستان که طی جنگهای فرساینده قریب به بیست سال گذشته، به لحاظ اقتصادی همه توان خود را از دست داده، از دیدگاه اجتماعی با ناهنجاری‌های بسیار روبه‌روست اواز نظر فرهنگی از رکود و پس‌رفت رنج می‌برد، به حکومتی معاصر و ترقیخواه نیاز دارد. اما اینک با گروهی در قدرت مواجه گردیده که از یک مشت طلبه متحجر و یک مشت جنگجوی حرفه‌ای تشکیل شده است.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، استقرار طالبان در کابل و اعلام حکومت رسمی از طرف این گروه در کابل را یک فاجعه ملی برای مردم افغانستان و یک رویداد سیاسی بسیار منفی در منطقه ارزیابی کرده و عمیقاً از این واقعه متأسف و نگران است. ما برآنیم که حاکمیت این گروه وابسته و به غایت ارتجاعی و بویژه خصلت انحصارطلبانه آن، به معنی تعمیق و تشدید بحران در افغانستان و نتیجه طبیعی آن، ادامه جنگ خونین و فرساینده در این کشور است. حکومت طالبان در کابل، منبع جدیدی برای تنش و تخاصم در بین کشورهای منطقه است.

مامسئولیت این فاجعه را در درجه نخست برعهده حکومت پاکستان و به ویژه مقامات نظامی و امنیتی این کشور می‌دانیم. حکومت پاکستان که درست یک روز پس از استقرار طالبان در کابل، حکومت آنها را به رسمیت شناخته است، بی‌توجه به سرنوشت میلیون‌ها افغانی و بی‌اعتنا به علایق دیگر کشورهای منطقه، به نحو گستاخانه‌ای در امور افغانستان دخالت کرده و فضای بدگمانی و تشنج در منطقه را پیش از پیش آلوده نموده است. برای پاکستان در رابطه با جمهوری‌های آسیای میانه، افغانستان دارای اهمیت استراتژیک و اقتصادی است. شیوخ سعودی نیز در رقابت با حکومت جمهوری اسلامی بر سر رهبری ایدئولوژیک مسلمانان در منطقه، نقش مؤثری را در پروراندن این گروه و به قدرت رسیدن آن ایفا کرده و لذا مسئول و شریک جرم در این فاجعه سیاسی هستند.

کشورهای غربی و در راس آنها آمریکا که در دوره جنگ سرد از هیچ تفسیhi برای به زانو درآوردن شوروی در افغانستان و سرنگونی حکومت دکتر نجیب باز نایستادند و با همه قوا در آتش جهاد اسلامی دمیدند، پس از نیل به اهداف خود، کشور مصیبت زده و شعله ور در آتش جنگ داخلی را به حال خود رها نمودند. دولت آمریکا که هر کجا منافع مستقیم آن ایجاد کند، از انواع لشکرکشی و بمباران‌های هوایی تا اقسام حیل دیپلماتیک سود میجوید، سالیهاست موضوع افغانستان را از سیاست خارجی فعال خود حذف کرده است. بعلاوه آمریکا باید به این سؤال همچنان مطرح پاسخ دهد که چگونه است که درست در آستانه بازدهی تلاش‌های نامیده سازمان ملل متحد برای تأمین صلح و آراه راه حل مورد قبول احتمالی برای بسیاری از

بقیه از صفحه ۱۲

### طالبان به کمک پاکستان کابل را تسخیر کرد

آخرین پیام نجیب

که مسئولیت قدرت‌های تأمین کننده اسلحه مجاهدین افغانی در این جنگ کم نیست، از سرنوشت مردم افغانستان نه در مجامع بین‌المللی و نه در رسانه‌های گروهی جهانی، سخن چندان نمی‌رفت. از این بی‌توجهی افکار عمومی جهان، برخی دولت‌های منطقه مانند پاکستان که کشور همسایه خود را حیطه نفوذ خود می‌دانند، سود برده‌اند. پاکستان در سال‌های اخیر با حمایت آشکار و پنهان از طالبان، کوشیده است در افغانستان دولتی را بر سر کار آورد که قدرت آن مدیون حمایت ارتش و وزارت کشور پاکستان باشد. سرعت قدرت گرفتن طالبان در جنگ داخلی افغانستان به حدی است که غیر قابل تصور است این نیرو که گفته می‌شود توسط طلاب مدارس دینی در کوئته پاکستان تشکیل شده است، از حمایت گسترده یک و یا حتی چند دولت خارجی بی‌بهره باشند.

طالبان، از همان ماه‌های نخست ظهورشان، به سلاح‌های سنگین و هوایما مسلح شدند. شواهد بسیاری، حاکی از کمک پاکستان و عربستان و حتی به طور غیرمستقیم، آمریکا از طالبان است.

طالبان در زمستان ۱۳۷۳ یک بار دیگر نیز به حومه کابل وارد شده بودند اما پیشروی آن زمانشان توسط نیروهای احمد شاه مسعود فرمانده نیروهای وفادار به برهان‌الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی و آخرین رئیس جمهور افغانستان به عقب رانده شد.

هفته گذشته در آستانه حمله طالبان به کابل، ربانی در اعلامیه‌ای ادعا کرده که نیروهای شبه‌نظامی پاکستان در حمایت از طالبان وارد خاک افغانستان شده‌اند و خواستار رسیدگی شورای امنیت سازمان ملل به مسئله گردید. پاکستان، این ادعای ربانی را تکذیب کرد. شورای امنیت، شکایت افغانستان را در دستور کار خود قرار داد، اما قبل از آن، کابل به دست طالبان افتاد.

طالبان در قندهار واقع در جنوب افغانستان که مقر اصلی طالبان است، ملا عمر سرکرده آنها اعلام کرد هر کس از نیروهای دولتی که خود را به طالبان تسلیم کند، مشمول عفو عمومی خواهد شد، و افزود این عفو شامل برهان‌الدین ربانی نیز خواهد گردید.

رفسنجانی به ویژه در عرصه اقتصادی محرز شد، در حکومت جمهوری اسلامی جناحی دست بالا را گرفت که در ارزیابی حد مجال‌های فرهنگی که رژیم باید تحمل کند، با سیاست‌گذاران نخستین سال‌های ریاست جمهوری اختلاف دارد. حکومت در تنگ‌تر کردن این مجالها، از نقطه‌ای آغاز کرده است که گمان می‌کند در آن، عواقب اجتماعی سرکوب و آزادی‌کشی، از سایر عرصه‌ها محدودتر باشد. به عنوان نمونه، اگر تعطیل یک نشریه مستقل و یا جلوگیری از انتشار یک کتاب، در میان چنددهزار نفر اهل مطالعه بازتاب بیاید، یورش‌های نوبتی برای تحمیل کردن حجاب اجباری ممکن است یک‌کشی صدها هزار نفر را حداقل به طور غیرمستقیم در جریان این تصمیمات قرار دهد.

برای جمهوری اسلامی، مطلوب‌ترین حالت این است که افشار اجتماعی تعددطلب، این عقب‌نشینی را بپذیرند و در برابر یورش خزنده به روشنفکران مستقل، بی‌تفاوت بمانند. حکومت ولایت فقیه بدین امید بسته است که تکنوکرات‌ها و متخصصانی که بدون کمک آنها، رشته امور باز هم از هم‌گسسته خواهد شد، شرایط جدید را بپذیرند و محدود شدن فعالیت‌های فرهنگی را نشانه‌ای از تهدید موقعیت خود ندانند.

در این شرایط، تلاش برای انشای فشار و سرکوبی که جمهوری اسلامی بر روشنفکران دگراندیش اعمال می‌کند، اهمیت مضاعف دارد. مقابله با استراتژی و تاکتیک قدرتمندان در عرصه اجتماعی، قبل از هر چیز مستلزم حساس کردن افکار عمومی و گروه‌های اجتماعی نسبت به سرنوشت فرهنگ و فرهنگ‌سازان است.

### جمهوری اسلامی در مقابله با "تهاجم فرهنگی"

بقیه از صفحه اول

شبه‌هایی مانند کشیدن نقشه سر به نیست کردن بی سر و صدای نویسندگان، به راه انداختن دستجات چماقدار و تبلیغات در روزنامه‌ها و تلویزیون می‌بیند. آیا تنها پاسخ این سؤال، ضعف فعلی رژیم است؟ بی‌شک این، یکی از عواملی است که باعث شده است رهبری جمهوری اسلامی مجبور شود شیوه‌های پیچیده و غیرمستقیم‌تری برای این دوره از سرکوب در پیش گیرد. جمهوری اسلامی دیگر نه از حمایت مردمی برخوردار است و نه از رهبری که بتواند مانند خمینی همه نیروهای آن را متحد کند. در عرصه خارجی نیز رژیم بیش از هر زمان در فشار است. اما ضعف رژیم، تنها عامل توضیح‌دهنده چگونگی پیشبرد فعلی سیاست سرکوب نیست. در همین شرایط ضعف است که حکومت، کماکان اعضای سازمان‌های سیاسی مخالف را دستگیر و اعدام می‌کند و یا برای ترور آنها به خارج مأمور می‌فرستد.

برخورد پیچیده‌تر حکومت به فعالیت‌های فرهنگی که ولایت فقیه، آن را مطلوب نمی‌داند، به ویژه به برخی الزامات بازمی‌گردد که برای حفظ حکومت خود تشخیص داده است. البته جناح‌های مختلف رژیم در ارزیابی از حد و ابعاد این الزامات، هم‌عقیده نیستند. در تشخیص این الزامات، رفسنجانی که پس از پایان جنگ و مرگ خمینی، بخشی از قدرت را در دست گرفت، بر سایر رهبران جمهوری اسلامی سبقت جست.

رفسنجانی پی برد که برای اداره کشور،

## اعلامیه شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) توطئه علیه نویسندگان شعرا و هنرمندان کشور

معنوی ایران را به نمایش می‌گذارد. برای هر انسان فرهیخته باور به امکان وجود این حد از پلیدی بسیار سخت است اما پیش از کشتار همگانی زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ نیز کمتر ذهنی می‌توانست تصور کند که چند هزار انسان طی چند روز به دستور سران جمهوری اسلامی اعدام شوند. اشکال دیگری از توطئه علیه جان برخی از نویسندگان کشور نیز گزارش شده است. این توطئه‌ها به گونه ای طراحی شده بود که در صورت اجرا بتواند آن را تصادفی جلوه دهند و یابیه دیگران نسبت دهند. این توطئه‌ها، همزمان و همراه با تداوم و تشدید اشکال مختلف «ستی» اعمال فشار بر اهل قلم پیش برده می‌شود. سانسور و میزبانی کتاب بسیار سخت‌تر شده است. بستن نشریات مستقل، اعمال فشار بر سردبیران و نویسندگان این‌گونه نشریات، فراخواندن و بازخواست و بازجویی‌های هتک از نویسندگان و روزنامه‌نگاران سرشناس، دستگیری و تهدید نویسندگان و خط و نشان

کشدن برای آنان در صورت تداوم تلاش برای فعال کردن کانون نویسندگان ایران، گسیل گروه‌های حزب‌الله و نیز فشارهای اقتصادی و حقوقی از جمله دیگر اشکال اعمال فشار جمهوری اسلامی بر نویسندگان کشور است. ما نسبت به توطئه‌های که جان کوشندگان دگراندیش عرصه‌های فرهنگی کشور را تهدید می‌کند هشدار می‌دهیم و اعلام می‌کنیم مسئول و پاسخگویی هرگونه اتفاقی که به هر شکل و تحت هر پوششی برای سرمایه‌های فرهنگی کشور ما بیافتد سران جمهوری اسلامی و در راس آن شخص آیت‌الله علی خامنه‌ای است. ما فشارها، تبه‌ها، توطئه‌های جمهوری اسلامی علیه آزادی بیان و اندیشه و تشکل کوشندگان در این عرصه را به شدت محکوم می‌کنیم و به سهم خود همگان را به مبارزه همیسته و متحد علیه آزادی‌کشی و استبداد فرا می‌خوانیم.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق (اکثریت) مهرماه ۱۳۷۵

## نامه شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به آقای یاسر عرفات

### به آقای یاسر عرفات

۳۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده‌اند. ما ضمن محکوم کردن سیاست‌های توسعه‌طلبانه و اعمال شدید قهر و خشونت علیه مردم بی‌دفاع فلسطین که تنها «جرم‌شان» احقاق حقوق حقه‌ی خویش است را محکوم می‌کنیم. به باور ما بحران خاورمیانه راهی جز مذاکره و گام برداشتن در راستای اجرای شعار «صلح در برابر زمین» ندارد. تجربه دهه‌های گذشته باید به دولت اسرائیل آموخته باشد که دور زدن این شعار در پیش گرفتن مشی اشغالگری و توسعه‌طلبی علیه فلسطینی‌ها بازم با شکست روبرو خواهد شد و جز افزایش قهر، خشونت، تور و تعمیق شکاف میان دو ملت اسرائیل و فلسطین ثمری نخواهد داشت.

عمده‌ترین سیاست‌های آقای ناتان یاهو و دولت و دست راستی تحت رهبری وی در ماه‌های اخیر بوده است. همه مردم و محافل صلح دوست جهان انتظار داشتند که سیاست‌های خویشندارانه و مسئولانه شما که تاکید بر ادامه مذاکرات صلح و پاینده آن است. دولت اسرائیل را از سیاست‌های مزبور منصرف کرده و به در پیش گرفتن سیاست‌هایی مبتنی بر منافع و مصالح صلح و امنیت در منطقه ترغیب کند. اما گشایش توتل واقع در زیر محوطه‌ی مسجدالقصی نشان داد که این دولت کماکان با ضرورت‌ها و مصالح صلح در منطقه و با رعایت حقوق مردم فلسطین و احترام به فرهنگ و سن آنها بیگانه است. امری که به تظاهرات و اعتراض‌های اخیر این مردم انجامیده است. ما تصمیم شما در برابر فراخوانی مردم به اعتصاب و تظاهرات را به جا و به موقع می‌دانیم. متأسفانه دولت ناتان یاهو به جای دست کشیدن از سیاست‌های فعلی خود و در پیش گرفتن سیاست‌های اصولی و صلح‌آفرین به قهر و خشونت مستوسل شده و ناسا‌ارامی‌ها و خونی‌تری‌هایی را دامن زده است که در

با احترام! آقای یاسر عرفات، رئیس دولت خودمختار فلسطین! رویدادهای مهم روزهای اخیر فلسطینی توجه گسترده‌ای را در جهان برانگیخته است. کشته و مجروح شدن شمار چشمگیری از هم‌پیمان شما در این رویدادها، تأثر و تأسف عمیق ما را برانگیخته است. مسئولیت این حوادث خشونت‌آمیز و خونبار که از شهروندان و سربازان اسرائیلی نیز قربانی می‌گردد تنها و تنها متوجه دولت جدید اسرائیل است که در طول ۱۰۰ روز حکومت خود با اتخاذ سیاست‌های توسعه‌طلبانه، زورمدارانانه و تشنج‌آفرین روند مذاکرات صلح خاورمیانه را به بن‌بست کشانده است. عدم عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی از شهر الخلیل، تخریب خانه‌های فلسطینی در شرق بیت‌المقدس و اعمال فشار برای تطهیل دفاتر سیاسی و فرهنگی فلسطینی‌ها در این منطقه، محاصره سرزهای اراضی تحت حکومت شما و بازداشتن کارگران فلسطینی از رفتن به سر کارهای خویش، ایجاد شهرکها و خانه‌های تازه برای یهودیان در اراضی فلسطینی و...

## برگزاری جشن اومانیته

مرکب از رفقا فرخ نگهدار مسئول روابط بین‌الملل و فریدون احمدی مسئول روابط عمومی شورای مرکزی و همچنین مسئول روابط بین‌المللی سازمان در فرانسه با هیئت‌ها و مسئولین روابط بین‌المللی احزاب کمونیست فرانسه، عراق، ترکیه، حزب سوسیالیسم دمکراتیک آلمان (PDS)، حزب دمکرات کردستان ایران و چند شخصیت سیاسی ایرانی ملاقات و تبادل نظر نمودند.

## جشن اومانیته در روزهای ۱۳، ۱۴، ۱۵ سپتامبر در پارک عظیم تفریحی شهر «کورفو» با حضور بیش از دویست و پنجاه هزار نفر برگزار شد. این جشن همه ساله توسط روزنامه اومانیته ارگان حزب کمونیست فرانسه برگزار می‌شود و از سازمان‌ها و احزاب سیاسی چپ و مترقی برای شرکت در این جشن دعوت می‌شود.

نشریه کار ارگان سازمان فداییان خلق ایران «اکثریت» در این جشن

فعالیت کانون هدایت شد و یکی از کانون‌های جنبش مردم علیه استبداد بدل شد. پس از سالهای نخست انقلاب بر اثر خفتان سیاسی، پیگرد و سرکوب نویسندگان و هنرمندان از سوی رژیم دچار وقفه شد. از چهار سال پیش به ابتکار عده‌ای از شاعران و نویسندگان مستقل، بحث و گفتگوها و تلاش‌ها در جهت از سرگیری

## رهبران کرد به آشتی با یکدیگر نیاز دارند

بسیار دشوار و یا اساساً غیر ممکن است که از تشکیل آن مستقلاً دفاع کنند. روندهای ۵ ساله اخیر این امر را اثبات کرده‌است. یگانه نیروی واقعی برای حل و فصل مسئله‌ی ملی در کردستان و عراق خود کردها هستند و این نیرو تنها زمانی وجود خواهد داشت که احزاب کرد از آن که متکی بر سازش و توافق با دولت‌های همسایه برای تسلط بر کردستان باشند به سازش میان خود و ایجاد نیروی متحد کانی برای تأمین خواست‌های خود متکی گردند. سرنوشت تلخ افغانستان سرزمین کرد را نیز می‌تواند درنوردد، هرگاه نیروی کرد در راه تحقق آرمان‌هایش نه روی پای خود که به نیروی غیر متکی گردد.

## بقيه از صفحه اول

سیمونیان، تبعه ایران، ساکن جمهوری ارمنستان و دارای دکترای ادبیات است. وی از طرف وزارت اطلاعات رژیم مأمور می‌شود با شاعران و نویسندگان سرشناس ایران تماس بگیرد و آنان را برای شعر و داستان خوانی به ایروان دعوت کند. سیمونیان از طریق آشنایان خود با نصرت رحمانی، محمدعلی سپانلو، رضا براهنی، شاهرخ تویسرکانی و عده دیگری از شاعران، نویسندگان و روزنامه‌نگاران به طرق مختلف تماس می‌گیرد و دعوت به ارمنستان را با آنان در میان می‌گذارد.

سیمونیان در پاسخ به این سؤال که میزبان نویسندگان کیست؟ می‌گوید، وزارت فرهنگ ارمنستان و اگر موافق نیستید، همیان آکادمی ارمنستان باشید، نویسندگان عذر وی را می‌خواهند و می‌گویند ما یل به شرکت در برنامه‌های دولتی نیستند و تنها به دعوتی پاسخ مثبت می‌دهند که از طرف کانون نویسندگان ارمنستان و مستقل از دولت باشد.

## درگیری فلسطینی‌ها با ارتش اسرائیل

بقيه از صفحه آخر لیکورد در انتخابات امسال آشکار می‌شود. اکثریت ضعیفی از رأی‌دهندگان اسرائیلی با انتخاب نتانیاو، نشان دادند که هنوز به ضرورت همزیستی مسالمت‌آمیز با فلسطینی‌ها پی نبرده‌اند و امیدوارند دولتشان بتواند با ادامه مشی تجاوزگرانه، برتری آنها را در برابر همسایگان عربشان حفظ کند.

## آگهی

ستاد برگزاری جشن سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) طرح پوستر جشن بیست و ششمین سالگرد سازمان را به مسابقه می‌گذارد. از علاقمندان درخواست می‌شود طرح خود را تا تاریخ ۳۰ نوامبر ۹۶ به آدرس نشریه کار ارسال نمایند. بهترین طرح از طریق نشریه کار اعلام و به طراح آن جایزه‌ای تقدیم می‌شود. ستاد برگزاری جشن سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

## بقيه از صفحه اول

خبرنگاری که بی‌خبر از توطئه، برای رفتن به مسلخ دست چین شده بودند، فرج سرکوهی سردبیر مجله آدینه، محمد محمدعلی، محمدعلی سپانلو، مسعود بسنهود، مسعود توفان، جورکشی، یک خبرنگار از روزنامه سلام، خبرنگاری از ماه‌نامه کلک، یک خبرنگار روزنامه ایران، شماری از شاعران و نویسندگان شهرستانی و ۵ نویسنده ارمنی در روز موعود در تهران از ترمینال شماره ۸، عازم ارمنستان می‌شوند.

پس از خروج از تهران، اتوبوس به جای طی مسیر معمول ایران به ارمنستان، جاده آستارا را پیش می‌گیرد. در چند کیلومتری پاسگاه مرزی ایران و ارمنستان، راننده ناگهان فرمان اتوبوس را به طرف خاکریز کنار جاده منتهی به دره می‌گرداند و به سرعت به پایین می‌پرد. مسعود توفان شاعر اهل شیراز که در ردیف اول روی صندلی شاگرد راننده نشسته بود بلافاصله پشت فرمان جای می‌گیرد و پس از هدایت اتوبوس به سمت جاده آن را متوقف می‌کند. مسافران راننده اتوبوس را دستگیر می‌کنند و به مأموران مرزی تحویل می‌دهند. وی در پاسگاه اعتراف می‌کند که دستور داشت اتوبوس را به دره سرنگون کرده و مسافران آنرا بکشد.

ساعاتی پس از ورود اتوبوس به پاسگاه مرزی، شخصی به نام هاشمی که از مأموران امنیتی رژیم و از نزدیکان هاشمی رفسنجانی است، برای فرونشاندن غائله و جلوگیری از انتشار خبر آن با هلی‌کوپتر خود را به محل حادثه می‌رساند و پس از بازجویی‌های اولیه و تماس با تهران، مسئول ترمینال در تهران دستگیر می‌شود اما پس از چند روز راننده اتوبوس و مسئول ترمینال با گذاردن وثیقه آزاد می‌شوند.

صلح نتانیاو حمایت کرد و در عین حال، با تشدید درگیری کوشید آرامش را به مناطق اشغالی بازگرداند. این سؤال مطرح است که اگر ماه‌ها پیش، عرفات به جای مامشات با تعرضات دولت اسرائیل، سیاست قاطع‌تری در پیش می‌گرفت، نتانیاو می‌توانست روند صلح را تا این حد در معرض تهدید قرار دهد یا نه. در آستانه انتخابات اسرائیل، دولت خودمختار فلسطین از بیم شکست پسرز در انتخابات، موارد نقض نص و روح قرارداد صلح را که از همان اواخر دوره حکومت حزب کارگر اسرائیل آغاز شده بود، بدون پاسخ قاطع گذاشت. دولت خودمختار فلسطینی زمانی می‌تواند با قدرت بیشتری در روند صلح شرکت کند که از حمایت یکپارچه مردم فلسطین بهره‌مند باشد. در روزهای اخیر، عرفات در راه کسب این حمایت گام برداشته است. امید است در آینده، وی با پر کردن شکاف‌هایی که میان او و نیروهای دمکرات و چپ فلسطینی ایجاد شده است، گام‌های بیشتری در این راه بردارد.

## بقيه از صفحه اول

سیمونیان، تبعه ایران، ساکن جمهوری ارمنستان و دارای دکترای ادبیات است. وی از طرف وزارت اطلاعات رژیم مأمور می‌شود با شاعران و نویسندگان سرشناس ایران تماس بگیرد و آنان را برای شعر و داستان خوانی به ایروان دعوت کند.

## ادامه کشاکش بر سر تغییر قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری

مباحث مربوط به دور آتی انتخابات ریاست جمهوری رژیم که در فاصله یکنه‌های پس از آغاز کار مجلس پنجم شورای اسلامی اوج گرفت، در دو هفته‌ی گذشته نیز از شدت خاصی برخوردار بود. در این دو هفته نیز ائتلاف جناح‌های «کارگزار» و «خط امامی» حکومت، با وجود مخالفت‌های مکرر جناح مخالف و اظهارات صریح مجدد خامنه‌ای، به تلاش خویش در جهت برای فراهم آوردن امکانی برای کاندیدا شدن رفسنجانی برای بار سوم، پیگیرانه ادامه داد.

آغازگر دور جدیدی از بحث‌ها علی‌محدثی ساجی نماینده تهران از جناح غالب روحانیت - بازار بود. وی در یکی از جلسات مجلس، ضمن مخالفت با تغییر قانون اساسی برای ادامه ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی گفت: مسئله همه‌پرسی که عده‌ای از نمایندگان آن را مطرح می‌کنند قانونی نیست و با همه‌پرسی نمی‌توان قانون اساسی را تغییر داد و تنها خامنه‌ای می‌تواند در مورد تغییر آن تصمیم بگیرد و به عقیده وی قانون اساسی نباید هراز چندگاهی دچار تغییر شود. وی همچنین از اختلافات فاحشه در جناح خود در مورد کاندیدای جامعه روحانیت مبارز برای ریاست جمهوری آینده پرده برداشت. وی گفت که بحث در این جناح نهایتاً نشده و عده‌ای به جامعه روحانیت مبارز پیشنهاد کردند که یک نفر غیرروحانی را برای ریاست جمهوری کاندیدا کنند چرا که بوجود آمدن نارضایتی در مردم، نهایتاً به پای روحانیت نوشته می‌شود.

محدثی گفت که مهدوی کنی با این پیشنهاد مخالفت کرده‌است و گفته است که روحانیان نمی‌توانند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند. سپس مداحی نماینده الیگودرز از جناح دیگر به میدان آمد. وی رفسنجانی را یک نعمت بزرگ و ذخیره الهی و مدیری توانمند و دلسوز نامید و عدم اشتغال وی را در پست ریاست جمهوری «کفران نعمت بارز و آشکار» دانست. مداحی بی‌توجهی رژیم به قانون اساسی خودپرورانه را گوشزد کرده، در خصوص تغییر قانون اساسی که وی آن را برای رسیدن به

مقصود خود تأیید می‌کند، گفت: تاکنون برای امور بسیار جزئی تر با تصویب قانون توسط مجلس یا مجمع تشخیص مصلحت نظام، بعضی از اصول قانون اساسی نقض و یا مسکوت گذاشته شده است. مثل اصول مربوط به شوراها، بندج، آموزش و بهداشت رایگان در حالی که در این موارد حساسیت چندانی از سوی بعضی جناح‌ها نشان داده نشده است.

سید حسین مرعشی نماینده کرمان و عضو مجمع حزب الله مجلس نیز متعاقباً وارد گود شد. وی ادعا کرد که برای تحقق تمدید دوری ریاست جمهوری رفسنجانی، نیازی به تغییر قانون اساسی نیست. او خواست تمدید دوری ریاست جمهوری رفسنجانی را فراجحانی قلمداد کرد و ادعا نمود که «در همه جناح‌های سیاسی موجود، اکثریت عناصر دلسوز و علاقه‌مند به مصالح کشور با این بحث موافق‌اند» وی در توجیه این که تمدید دوری ریاست جمهوری رفسنجانی نیازی به تغییر قانون اساسی ندارد گفت: در قانون اساسی پیش‌بینی شده است که اگر ضرورت وجود داشته باشد مجمع تشخیص مصلحت نظام برخلاف قانون اساسی می‌تواند قانون عادی وضع کند و این امر نیز تجربه شده است. وی نیز خواهان انجام همه‌پرسی برای امکان شرکت رفسنجانی در دور آتی انتخابات ریاست جمهوری شد.

مرعشی هم چون عبدالله نوری که با دادن نمره ده به امثال ناطق‌نوری در برابر رفسنجانی که به او نمره صد داده بود، به تحقیر ناطق‌نوری پرداخت و گفت که در مقابل ناطق‌نوری کسان زیادی وجود دارند که خودشان را هم‌سطح می‌دانند و از میرحسین موسوی، حسن حبیبی و عبدالله نوری به عنوان کاندیداهای بالقوه مجمع حزب الله نام برد. در مقابل حبیب‌الله عسگرآلادی دبیرکل جمعیت مؤتلفه اسلامی با نوشتن مقاله‌ای با عنوان «قانون اساسی، حکومت موروثی و مدام‌العمر را نمی‌پذیرد»، در روزنامه‌ی رسالت اظهار کرد: «کسانی که خیال می‌کنند پس از آقای هاشمی رفسنجانی شخص دیگری شایستگی احراز پست ریاست جمهوری را ندارد اشتباه بزرگی مرتکب می‌شوند. این

تصور به انقلاب اسلامی لطمه وارد می‌کند». او می‌نویسد: «از رجال روحانی و سیاسی و دانشگاهی کشور، حداقل ۳۰ نفر را می‌شناسم که شایسته‌ی احراز پست ریاست جمهوری هستند و این سخن که غیر از آقای هاشمی رفسنجانی شخص دیگری برای ریاست جمهوری وجود ندارد، توهین به انقلاب و توهین به رجال سیاسی کشور و عقیم معرفی کردن انقلاب است.»

عطاءالله مهاجرانی معاون پارلمانی رئیس‌جمهور که در سال‌های پیش نخستین کسی بود که رسماً خواهان بر کرسی ریاست جمهوری نشستن رفسنجانی برای بار سوم شده بود، با این «استدلال» که قانون اساسی در خدمت ملت و کشور است و اصولی شکل قانون اساسی قابل تغییر هستند، اصل جمهوریت را از ارکان قانون اساسی، ولی تعیین دوری ریاست جمهوری را از فروع دانست.

وی با ذکر این‌که اصلاح قانون اساسی نیاز به تصمیم رهبری دارد، ولی در مورد تمدید دوری ریاست جمهوری، مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز می‌تواند تصمیم بگیرد و این صورت، نمایندگان می‌توانند با تقدیم طرحی به مجلس طبق روال طبیعی طرح را به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع کنند، تلاش نمود خامنه‌ای یعنی مهم‌ترین تعیین‌کننده‌ترین مخالف روی کارماندن رفسنجانی در مقام ریاست جمهوری را دور بزنند. وی نیز با تحقیر غیرمستقیم ناطق‌نوری گفت: آقای هاشمی رفسنجانی با افراد دیگر قابل مقایسه نیستند. کسانی که گمان می‌کنند در حد قیاس با آقای هاشمی هستند به مسائل کشور، نه آقای هاشمی و نه خودشان را خوب می‌شناسند و عدم شناخت خوب در این سه حوزه باعث شده است که این توهم به وجود آید تا خودشان را با آقای هاشمی مقایسه کنند.

اما تحقیر مداوم طرفداران رفسنجانی بی‌پاسخ نماند. اسدالله بادامچیان عضو سرشناس جمعیت مؤتلفه اسلامی که پس از رای‌نیاوردن در انتخابات مجلس پنجم به سمت مشاور رئیس قوه قضائیه

### خبرهای کوتاه

#### اعدام ۲ عضو حزب دموکرات

بر اساس اطلاعیه‌ی حزب دموکرات کردستان ایران، دو نفر از اعضای این حزب به نام‌های «عثمان» و «سلیمان قیطان» توسط رژیم جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر کشته شدند. «عثمان» در نیمه‌ی دوم مرداد ماه در زندان سردشت به دار آویخته شد و «سلیمان» در زندان نقره در زیر شکنجه جان سپرده است.

اطلاعیه‌ی مزبور هم‌چنین از بازداشت ۲۱ نفر از اهالی منطقه‌ی پیرانشهر در مردادماه و دستگیری صدها جوان کرد به اتهام داشتن ارتباط با حزب دموکرات یا هواداری از آن در شهرهای نقره، پیرانشهر، اشنویه، مهاباد و سردشت خبر می‌دهد.

#### تعطیل انجمن‌ها و محافل ادبی کاشان

مسئولان منطقه‌ی وزارت ارشاد رژیم در کاشان، کلیه انجمن‌ها و کانون‌های ادبی کاشان را به این بهانه که قصد دارند فعالیت آنان را قانونمند گردانند تعطیل کردند.

فعالیت دوباره و تشکیل جلسات این انجمن‌ها و کانون‌ها منوط به اخذ مجوز از مراجع مربوطه است. به این ترتیب محافل ادبی بانام‌های کلیه کاشانی، مولانا، سروی، صبا، صباحی، بیدگلی، فیض، سخن، سپیده کاشانی و کانون‌های اندیشه جوان سهراب سپهری و نشر فرهنگ اسلامی مجبور به قطع فعالیت‌های فرهنگی خود شده‌اند.

#### آلودگی شدید هوای تهران

روز جمعه گذشته ۶ مهر ماه، میزان غلظت منواکسید کربن در هوای تهران ۲ برابر و نیم حد مجاز بود. منبع اصلی انتشار گاز آلاینده و سمی منواکسیدکربن خودروها به‌ویژه خودروهای معیوب و فرسوده می‌باشد. آلودگی شدید هوای تهران به‌ویژه از آن‌رو در فصل پائیز تشدید می‌یابد که در این فصل به دلیل تغییرات جوی، گازهای آلاینده در ارتفاع پایین‌تر و نزدیک به سطح زمین قرار می‌گیرند و در صورت نبود باد و ساکن بودن هوا، پدیده‌ی موسوم به وارونگی دما (اینورژن) به وجود می‌آید.

#### خدمت پزشکان وظیفه در روستاها

بر اساس یک مصوبه جدید، از این پس مسئولان وظیفه‌ی عمومی در گروه پزشکی و پیراپزشکی و بهیاران وظیفه، پس از طی مراحل آموزش مقدماتی نظامی، حداقل یک‌سال اول از خدمت نظامی خود را زیر عنوان پیام‌آوران بهداشت در مراکز درمانی مناطق روستایی و عشایری خواهند گذراند.

#### ابتکار پزشک ایرانی در درمان نازیبا

تازه‌ترین روش درمان نازیبا جهان توسط یک پزشک ایرانی شناخته شد. دکتر ملک‌منصور اقصا یکی از پزشکان عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران که از دو سال پیش برای نخستین بار در دنیا، درمان نازیبا را با استفاده از روش انجام کبست‌ها شروع کرده است از نتایج حاصله اعلام رضایت نموده، معتقد است که این روش بر روش‌های دیگر درمان نازیبا برتری دارد.

#### آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع گچساران

۲۰۰ هکتار از مراتع و جنگلهای منطقه تنگ گرگه گچساران در آتش سوخت. به گفته رئیس منابع طبیعی گچساران، علت این آتش‌سوزی و میزان خسارت ناشی از آن که به مدت یک شبانه‌روز ادامه داشت، هنوز روشن نشده است.

#### مشکل خوابگاه برای ۱۸۰۰۰ دانشجو

سلیمانی معاون دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی رژیم اعلام کرد که در سال ۱۳۷۶ با پایان یافتن مهلت اجاره‌ی خوابگاه‌های دانشجویی، حدود ۱۸ هزار دانشجو به‌طور جدی با مشکل خوابگاه مواجه خواهند شد. وی برای حل این مشکل خواستار ۲۰ میلیارد تومان بودجه‌ی بیشتری برای وزارتخانه‌ی فرهنگ و آموزش عالی شد.

#### بنیاد خمینی تشکیل می‌شود

فرشاد معاون امور مناطق و مجلس سازمان برنامه و بودجه اعلام کرد که با ادغام کمیته‌های امداد امام، سازمان بهزیستی و سازمان تأمین اجتماعی کشور آرگانی به نام بنیاد امام خمینی تشکیل می‌شود که وظیفه‌ی آن تحت پوشش قراردادن گروه‌های نیازمند است. قرار است این طرح پس از بررسی در هیئت دولت تا پایان سال جاری برای تصویب نهایی به مجلس ارائه شود.

#### فاضلاب روباز در دوگنبدان

سلامت ساکنان شهر ۹۰ هزار نفری دوگنبدان به علت ریزش فاضلاب‌های خانگی در خیابان‌ها و کانال‌های روباز در معرض خطر جدی قرار گرفته است. به گفته‌ی یک کارشناس امور بهداشتی، قسمت عمده‌ی فاضلاب شهر که از میان شهر عبور می‌کند، در کنار یک محله‌ی قدیمی شهر به لجن‌زار تبدیل شده است.

#### همکاری‌های امنیتی ایران و ترکیه

سیزدهمین اجلاس کمیته‌ی مشترک امنیتی رژیم‌های جمهوری اسلامی ایران و ترکیه دو هفته‌ی پیش در آنکارا تشکیل جلسه داد. هیئت امنیتی اعزامی از سوی رژیم نمایندگانی از وزارت خارجه، وزارت کشور، نیروی انتظامی، ستاد مشترک ارتش و ستاد کل نیروهای مسلح را شامل می‌شد.

#### از توزیع پیام دانشجو جلوگیری شد

هفته‌نامه‌ی پیام دانشجو که هیئت نظارت بر مطبوعات پروانه‌ی انتشار آن را در ۴ ماه پیش لغو کرده بود بار دیگر به زیر چاپ رفت ولی از توزیع آن جلوگیری به عمل آمد. دادگاه مطبوعات، طبرزدی مدیر مسئول پیام دانشجو را به ۵ سال ممنوعیت از مدیر مسئولی و صاحب امتیازی این نشریه محکوم کرده بود. طبرزدی مدیر مسئول سابق نشریه به استناد به سخنان معاون دادگستری استان تهران و سرپرست مجتمع قضائی ویژه که اعلام

#### دادگاه به دادن تذکر شفاهی اکتفا کرد

دادگاه رسیدگی به پرونده اتهامی مهدی نصیری مدیر مسئول ماهنامه صبح، نشریه‌ی که سرشار از بهتان و افترا به دگراندیشان و حتا نیروهای نظام جمهوری اسلامی است، پس از بررسی اظهارات شاکیان متعدد و شنیدن دفاعیات متهم نظر خود را به شرح ذیل اعلام کرد: هیات منصفه با استماع شکایات مطروحه به وسیله اداره حقوقی شرکت مخابرات، شرکت‌های تبلیغاتی «کارپی» و «تار»،

#### ۵ میلیارد دلار هزینه مصرف نادرست انرژی

جهانی بسیار بالاست. برای نمونه در حالی که برای تولید یک متر پارچه باید به طور متوسط کمتر از ۰/۵ کیلووات ساعت انرژی الکتریکی مصرف شود این رقم در صنایع ایران ۰/۶ است که ۲۰ درصد بالاتر از حد استانداردهای جهانی است.

#### ولایتی دولت آلمان را تهدید کرد

ولایتی وزیر خارجه‌ی رژیم در مصاحبه با نشریه‌ی فرانکفورتر آلتگماینه دولت آلمان را در ارتباط با دادگاه می‌کنوس تهدید کرد و اظهار داشت که اگر دادگاه آلمانی، جمهوری اسلامی را محکوم کند، رژیم متبوع او اقدام به معامله به مثل خواهد کرد. ولایتی ادعا کرد: «اتهاماتی که دادگاه آلمان علیه ایران مطرح کرده است یک طعنه و از جانب صهیونیست‌هایی است در پشت صحنه سیاسی آلمان فعالیت می‌کنند.» وی افشاگری‌های رسانه‌های گروهی را «تبلیغات صهیونیست‌ها» نامید و با دلجویی از دولت دست

### ما را در جشن عاطفه‌ها شرکت دهید

دانش آموز کلاس سوم علوم انسانی هستم. می‌خواستم وضع زندگی را برای شما شرح بدهم، اگرچه شاید این همه مشکل را باور نکنید ولی واقعاً من و مادرم زندگی را به سختی می‌گذرانیم و همه‌ی امیدهایمان کم‌کم از بین می‌روند، چند سالی است که پدرم ما را ترک کرده است و ما در خانه‌ی کوچک مادر بزرگم زندگی می‌کنیم در این خانه خالهام ۳ فرزند عقب‌افتاده‌اش به‌سر می‌پرند که ناخواسته زندگی را برای ما و خودشان تنگ کرده‌اند، تنها مسر درآمد ما از اتافی است که اجاره داده‌ایم و ماهیانه با اجاره‌ی هشت هزار تومانی آن به‌سر می‌بریم، با این پول و خرج‌های دیگری که داریم به زحمت می‌توانیم در ماه چند وعده غذایی گرم بپخت کنیم آن هم برای شش نفر، چند سال یک «کیست» در بدنم بود که به علت فقر مادی قادر نبودیم هزینه‌ی عمل جراحی آن را بپردازیم بالاخره مادرم ۲۵۰ هزار تومان قرض نمود و مرا عمل کرد، الان همین پول برای ما یک مصیبت شده است، تاکنون بارها مادرم اقدام به خودکشی کرده است که من او را نجات داده‌ام، از مردم تقاضا دارم ما را هم در جشن عاطفه‌ها شرکت دهند. ما به‌جز یک گاز پیک‌نیک و تعدادی ظرف و ظروف و یک فرش مندرس و چند پتو از وسایل زندگی چیز دیگری نداریم.

## خشونت و جنایت فزاینده در کشور تهدیدی برای سلامت جامعه

هر روز در صفحه‌های حوادث روزنامه‌های مختلف داخلی اخبار دهشتناکی دیده می‌شود که مو را براندام راست و اشک را بر چشمان جاری می‌کند. آمار جرم و جنایت که جدول آن را در این صفحه ملاحظه می‌کنید حکایت از رشد شتابانی دارد که به هیچ عنوان تناسبی با افزایش جمعیت و توسعه شهری و ماشینی شدن زندگی که از مهمترین عوامل شناخته‌شده بالارفتن جرم و جنایت در هر کشوری هستند ندارد. اخباری از این دست به فراوانی در نشریات مشاهده می‌شوند:

شخصی بر سر همسر خویش و چهار فرزند خواهر زن خود بزین ریخت و آنها را به آتش کشید و هر ۵ نفر را به کام مرگ فرستاد.  
فردی بر سر اختلافی جزئی چون متلک گفتن پسر ۱۶ ساله‌ی همسایه به دختر ۱۹ ساله‌اش سیل یک ماده‌ی آتش را به درون خانه‌ی همسایه‌اش سرازیر کرد و با این عمل سه نفر را کشت و دو نفر را دچار سوختگی شدید کرد. همسایگانی که بنا به گواهی همسایگان دیگر تا اندک زمانی قبل از این واقعه روابط بسیار صمیمانه‌ی با هم داشته‌اند.

ترتیب دامنه‌ی نفوذ و گسترش خشونت «نهادینه شده»، از محدوده‌ی دیرینه‌اش یعنی از دایره‌ی دستگاه‌های سرکوب رسمی و حکومتی فراتر رفته و بخش‌هایی از جامعه را نیز دربر گرفته است. به عبارتی دیگر «بخش خصوصی» در این زمینه نیز فعال شده است.

پژوهش‌های متعدد روانشناسان و جامعه‌شناسان کشور از افزایش شدید پرخاشگری (aggression) و خشونت در افراد جامعه و در کلیت آن خبر می‌دهد. اگرسیون که در مفهوم عام خویش در روان‌شناسی علاوه بر پرخاشگری و تجاوز و سلطه‌جویی، دارای بار مثبت معنی چون تکاپو و پشتکار نیز می‌باشد، انرژی روانی درونی غریزی موجودات زنده‌ی تکامل یافته‌تر است که برای حفظ نفس و نسل ضروری نیز تلقی می‌گردد. اما آنجا که این انرژی بر اثر ضعف سیستم‌های بازدارنده و کنترل کننده ظرف و پوسته‌ی خود را می‌ترکاند و سرریز می‌گردد، با قدرت تخریبی خویش نفس و نسل را نابود می‌کند. در چنین شرایطی «انسان، گرگ انسان می‌گردد» و بستر مناسبی برای رشد عقاید منبعث از تئوری داروینسم

حسابی رشد می‌کنند به‌خاطر تأثیرگذاری بر دیگر عوامل و برآیند عوامل چندگانه، رشدی با تصاعد هندسی را برای خشونت و پرخاش‌جویی در سطح جامعه پدید می‌آورند و مجموعه‌ی این شرایط در صورتی که مکانیزم‌های بازدارنده‌ی اجتماعی کفایت لازم را نداشته باشند، در جامعه که هم‌چون هر سیستم خودتنظیم‌کننده‌ی دیگر امکانات خودتعدیل‌کننده‌ی معین و محدودی دارد، با مکانیزم پس‌خوراند «مثبت»، حلقه‌ی معیوب یا شیطنانی پدید می‌آورد و چون بهمنی رها شده از قله‌ی کوه، جامعه را به سوی اضمحلال و نابودی سوق می‌دهد. روندی که متأسفانه شاهد تکرین آن در کشورمان در سال‌های اخیر می‌باشیم.

### گزیری هست؟

آیا چاره‌ی برای بازدارنده‌ی بهمین رها شده وجود دارد؟ جامعه‌شناسان جامعه‌ی به‌هنجار را که در آن زمینه‌های رشد بیماری‌های اجتماعی از بین می‌رود چنین تعریف می‌کنند: جامعه‌ی آنست که در آن دموکراسی ریشه‌دار و نهادینه شود، حقوق عام

سال	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۷۰	۷۲
۱- جمع محکومین مراجع قضائی کشور	-	۳۳۵۰۸	۱۵۲۰۶۷	۱۲۵۲۵۱	۱۲۳۰۹۶	۷۸۷۵۰۵	۸۴۰۱۱۰
۲- قتل، جرح، ضرب و تهدید (حوزه‌ی استحقاقی شهریه‌ای‌های کشور)	۲۵۷۴۶	۲۷۳۹۵	۳۱۹۲۶	۳۵۱۰۶	۳۸۲۶۵	۴۸۴۵۳	۶۳۴۴۵
۳- خودکشی و مرگ‌های اتفاقی (حوزه‌ی استحقاقی شهریه‌ای‌های کشور)	۶۷۰۶۹	۵۹۴۳۸	۶۱۵۹۸	۵۹۵۴۹	۸۶۲۸۹	۱۳۵۵۶۰	۱۵۱۸۸۶
۴- تعداد تصادفات منجر به فوت و جرح و خسارت (برحسب وسیله‌ی نقلیه‌ی مقصد)	۸۱۷۶/۱	۱۱۰۷۲	۱۵۸۸۸	۱۱۲۱۲	۳۱۸۶۰/۹	۳۹۷۶۲/۱	۹۰۱۳۱
۵- کشتی‌های مواد مخدر (کیلوگرم)							

آمار سال‌های ۶۱ تا ۶۴ از طرف ژاندارمری کل کشور. آمار سال ۶۵ از طرف کمیته‌های انقلاب جمهوری اسلامی و ارقام سال‌های ۷۰ و ۷۲ از طرف نیروی انتظامی رژیم اعلام شده است.

اجتماعی پدید می‌آید. اندیشه‌هایی که جامعه را به جنگلی تشبیه می‌کند که در آن انسان، محکوم به سبزه و تنازع بقا می‌باشد و سلاطین این جنگل، قوی‌ترین، بی‌رحم‌ترین و حيله‌گترین انسان‌ها هستند.

روان‌شناسان برحسب آنکه به چه اردو و مکتب فکری روان‌شناسی تعلق داشته باشند، برای پرخاش‌گری علل مختلفی را برشمرده‌اند. رفتارگرایان ناکامی را عامل پرخاش‌گری دانسته‌اند و روان‌شناسان اجتماعی بر نقش تعیین‌کننده‌ی بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و تأثیرات آن بر تک‌تک افراد و مجموعه‌ی آنان یعنی کل جامعه تأکید می‌ورزند. شکی نیست که مجموعه‌ی ناکامی‌های افراد در جامعه‌ی ما که اسیر بحران‌های اقتصادی اجتماعی شدید می‌باشد به اشتباه پرخاش‌گری در انسان و اجتماع می‌انجامد و موجب بحرانی اخلاقی شخصیتی در افراد و نارسایی فرهنگی و اخلاقی در جامعه می‌گردد. انبوهه سنت‌های پدید آمده در تاریخی آغشته به خشونت از زمان پیدایش نظام‌های قبیلگی - عشیرتی تاکنون که از هر نسل به نسل بعدی منتقل شده و مجموعه‌ی آن «ارزش‌های اجتماعی کاذب چون تلافی‌جویی و قصاص را به وجود آورده است، از سوی و القانات و وسائل ارتباط جمعی امروزی و تجربه‌ی روزمره‌ی صحنه‌های قتل، جنگ و کشتار جمعی که چنین پدیده‌هایی را عادی و طبیعی می‌نمایند، از سوی دیگر از عوامل فزاینده‌ی خشونت و پرخاشگری در جامعه هستند.

با نگاه جامعه‌شناسی صرف نیز می‌توان از افزایش جمعیت، بالارفتن میزان شهرنشینی، بی‌کاری روزافزون و نظایر آن به‌عنوان عوامل ایجادکننده‌ی استرس اجتماعی که به پرخاش‌گری و خشونت منجر می‌شود، نام برد. دروغا که هر یک از این عوامل یاد شده که به تصاعد

مکافات‌هایی سنجیده همراه با ایجاد امکاناتی برای اصلاح جرم و از بین بردن انگیزه‌ها و پیش‌زمینه‌های جرم در نظر می‌گیرد در حالی که کارگزاران دستگاه قضائی رژیم جمهوری اسلامی براساس قوانین قرون وسطایی خویش علاوه بر آنکه بسیاری از رفتارهای طبیعی انسان امروزی را که با دگم‌های عقیدتی و سلیقه‌های آنان هم‌خوانی ندارد جرم تلقی می‌کنند و مجازات‌های شدید برای آن قائل می‌شوند، برای جرائم تعریف شده در عرف جوامع متعارف امروز نیز مکافات‌هایی سنگین و فراتر از حد آن در نظر می‌گیرند و حداکثر انعطاف آقایان در این حد است که «قصاص» را که بر اساس قوانین درونی جوامع عشیرتی تدوین شده است و جزایی کاملاً برابر با جرم (و نه فراتر از آن) را در نظر می‌گیرد، جاری سازند.

قوه‌ی مقننه و دستگاه قضائی رژیم در راستای اسلامی کردن قوانین کشور، بدون در نظر گرفتن شرایط جامعه انبوهی از قوانین مدنی کشور را که به رغم ضعف‌های عدیده‌شان از انقلاب مشروطیت به بعد تعادل معینی را در جامعه حفظ می‌کردند در جهت ارتجاعی تغییر دادند. نیروی انسانی کارآمد و تحصیل‌کرده‌ی دستگاه قضائی را تقلیل دادند و ایادی ناآگاه خود را که از علم حقوق امروزی هیچ سررشته‌ی نداشتند به کار گماشتند و ساختار دستگاه قضائی را تغییر دادند.

برای مجموعه عوامل ذکر شده انتظار می‌رود که در صورت عدم تحولی اساسی در دستگاه قضائی کشور، نقش مخرب و خشونت‌فزای آن مداوم بماند.

البته دستگاه قضائی رژیم کاردی نیست که دسته‌ی خود را ببرد. اختلاس کنندگان اموال مردم و سوداگرانی که از قوت لایموت زحمتکشان کشور می‌دزدند و متجاوزان به حقوق انسانی مردم که در دستجات بزرگ و کوچک به نام امر به معروف و نهی از منکر هر بلائی که بخواهند برسر مردم می‌آورند، از آنجا که از تیار حکام جمهوری اسلامی می‌باشند تا وقتی که از آنان تبعیت می‌کنند به هر جنایتی که دست زند مشمول مجازات نمی‌شوند. اما در مقابل مرتکبین «ناهاریار» جرائم سبک پس از دستگیری به بیدادگاه‌ها می‌روند. در برابر هر ورودی اتساق‌های دادگاه در کشور بچه‌های ۱۵-۱۰ ساله‌ی زیادی مشاهده می‌شوند که به جرم‌هایی چون قالیقای‌زنی، کمک به کیف‌زنی و کف‌زنی و خال‌بازی و نظایر آن دستبند به دست دارند و منتظر ورود به زندان می‌باشند. زندان‌هایی که در جهت به‌هنجارسازی اجتماعی تحول نیافته‌اند و خود مرکز بدآموزی‌ها هستند و به این ترتیب تخم‌مرغ دزد امروز، شستر دزد فردا می‌شود و ارگان‌های جنایت سازمان‌یافته از میان آنها یارگیری می‌نمایند.

شبکه‌ی مافیای سربرآورده در سال‌های اخیر که پیوند تنگاتنگی با دستگاه‌های سرکوب رسمی و غیررسمی رژیم دارد با وجود آنکه در سراسر کشور گسترده شده است اما در همه‌جا به یک میزان ریشه‌ی ندوانیده و نهادینه نشده است و نواحی گوناگون کشور به درجات مختلفی زمینه‌ساز رشد جرم و جنایت و سازمان‌های آن بوده‌اند. براساس آمار و شواهد موجود در حالی که در شهرهایی چون تهران و کرمانشاه میزان قتل و ضرب و جرح بالاتر از سطح متوسط در کشور بوده است، در شهرهایی چون شیراز، اهواز و اصفهان این میزان بسیار کمتر از حد متوسط بوده است.

یافته‌های فوق بیش از پیش، این ایده را تقویت می‌کند که باید در بررسی علل پیدایش و رشد خشونت و جرم و جنایت از یک‌جانبه‌نگری پرهیز کرد و همواره بر تأثیر متقابل و پیچیده‌ی عوامل متعدد فزاینده و بازدارنده‌ی پدیده‌های یاد شده توجه داشت.

## خبرهای علمی

### سرانجام پنتاگون اعتراف کرد

در ستون علمی بارها از نشانگان (سندروم) جنگ خلیج فارس، یعنی بیماری مرموزی که چند هزار سرباز آمریکایی را مبتلا کرده است نوشته‌ایم. خانواده‌های این سربازان بیمار در مورد کشف علت بیماری که سربازان بازگشته از جنگ خلیج فارس و نوزادان آنها را در بر می‌گیرد تلاش بسیاری کردند اما پنتاگون همواره وجود ارتباط بین بیماری و جنگ خلیج فارس را انکار می‌کرد. بالاخره فشار خانواده‌های مبتلایان پنتاگون را وادار کرد که یک گروه تحقیقاتی را به کار بگمارد و سرانجام در این هفته نتایج کار این گروه توسط پنتاگون اعلام شد. با این‌همه پنتاگون ادعا می‌کند که تنها سربازانی که در عملیات انهدام منابع شیمیایی صدام در عراق شرکت کرده بودند توسط گازهای شیمیایی پراکنده شده آلوده شده‌اند. اما شواهد بسیار حکایت از آن می‌کند که سربازان بیمار محدود به کسانی که در عملیات نابودی سلاح شیمیایی عراق شرکت داشته‌اند نمی‌باشد.

### شناسائی افراد براساس عنبیه چشم

یک پژوهشگر آمریکایی در سال ۱۹۹۲ کشف کرده است که عنبیه چشم هر فرد مانند اثر انگشت او خصوصیات ویژه‌ی دارد که او را مشخص می‌کند. اکنون بانکداران آمریکایی به فکر افتاده‌اند که از این کشف استفاده کنند. به این منظور یک مؤسسه‌ی ژاپنی با همکاری یک کارخانه‌ی آمریکایی ماشینی اختراع کرده است که می‌تواند افراد را براساس عنبیه چشم آنها شناسائی کند و شاید تا آخر سال ۹۶ بانک‌های آمریکا مجهز به خواندن چشم مشتریان خود بشوند! به این ترتیب که برای دریافت پول از گیشه‌های آتوماتیک بانک‌ها، مشتری باید مقابل دستگاه بایستد تا دستگاه خصوصیات ویژه‌ی عنبیه او را با آرشیو خود مقایسه کند و اجازه‌ی دریافت پول صادر شود!

### مرگ همگانی جانوران بر روی زمین

۹۰٪ جانداران روی زمین، اعم از گیاه و جانور در گذر از دوره‌ی اول به دوره‌ی دوم یعنی ۲۵۰ میلیون سال پیش از میان رفته‌اند. در مورد علت این مرگ و خشونت، فرضیه‌های متعددی موجود است. از جمله فرود سنگ‌های آسمانی یا تغییرات جوی را علت آن می‌دانند. اخیراً یک پژوهشگر دانشگاه لیدز در انگلستان نشانه‌ی تازه‌ی یافته است که براساس آن می‌گوید موجودات کروی زمین در این دوره به علت خفگی (کمبود اکسیژن) مرده‌اند. آزمایش بر روی لایه‌های رسوبی در اقیانوس منجمد و دیواره‌ی ۷۵۰ متری بلندی‌های آلپ و نیز بررسی فسیل‌های باقیمانده از این دوره نشان دهنده‌ی کمبود اکسیژن می‌باشد.

البته باید یادآوری کنیم که این اولین مرگ دسته‌جمعی تاریخی جانداران روی زمین نبوده است. در عمر ۳/۸ میلیارد ساله چهار دوره‌ی قطع نسبی حیات وجود داشته که مشهورترین آنان از میان رفتن کامل دیناسورهاست. اما هر بار زندگی، دوباره بر روی زمین شکل گرفته است و گیاهان و جانوران تازه‌ی، کوه‌ی خاکی ما را روح بخشیده‌اند. با نگاه به تاریخ پیدایش حیات و تکامل آن، سؤال‌هایی ذهن را به بحث مشغول می‌کند. سؤال‌هایی از این قبیل که اگر تسلسل تکامل حیات در طول تاریخ با گسست‌هایی همراه نبود، آیا اصولاً انسان به‌وجود می‌آمد و در این صورت دیرتر یا زودتر بر صحنه‌ی جهان ظاهر می‌شد؟ در آن حالت انواع موجودات به چه صورتی تکامل می‌یافتند؟

### راهی دیگر برای مقابله با قلب نارسا

یک جراح اروپایی با اختراع تکنیک جدیدی که آن را بر روی یک بز امتحان کرده است، با استفاده از عضله‌ی پشت این حیوان و با به‌کارگیری یک پمپ مصنوعی توانسته است قلب دومی برای آن حیوان بسازد و قلب اصلی را عملاً از کار بیاندازند. این قلب دوم توانسته است با به‌گرددن در آوردن یک لیتر و نیم خون در هر دقیقه بز را به مدت بیش از یک‌سال زنده نگهدارد. این جراح امیدوار است که بتواند از روش فوق در درمان بیماری‌های قلبی انسان‌ها استفاده کند.

### استفاده از انرژی خورشید

یونسکو برای بررسی طرح‌های مربوط به استفاده از انرژی خورشیدی در نیمه‌ی سپتامبر امسال، یک نشست بین‌المللی برگزار کرد. نمایندگان ۸۰ کشور جهان در این جمع به بحث نشستند تا راه حلی برای کمبود انرژی در جهان بیابند. اما از آنجا که کشورهای ثروتمند جهان در نشست حضور نداشتند، ۳۰۰ پروژیه‌ی مهم بدون تأمین مالی باقی ماندند. گفته می‌شود در حال حاضر ۸۰٪ انرژی کروی زمین تنها برای ۲۰٪ جمعیت آن بکار می‌رود. استفاده از منابع دیگر انرژی، مستلزم صرف هزینه‌های زیادی است و هنوز با وجود پیشرفت‌های حاصل شده در سال‌های اخیر، تهیه انرژی خورشیدی بسیار گران‌تر از انرژی اتمی می‌باشد.

### فرکانس صوت و عکس‌العمل جانوران

بسیاری از جانوران تنها از طریق دریافت فرکانس‌های صوتی می‌توانند موقعیت خود را در محیط پیدا کنند و خطرها را بشناسند. جانورشناسان علاقمند به شناخت رفتار حیوانات با آزمایش بر روی جیرجیرک‌ها فهمیده‌اند که آنها دشمن خطرناک خود یعنی خفاش را از طریق فرکانس صوتی او می‌شناسند. پژوهشگران با استفاده از بلندگو فرکانس‌های مصنوعی ایجاد کرده، مشاهده نموده‌اند که فرکانس‌های بالای ۱۳ تا ۱۶ کیلوهرتز برای این حشرات حکم اعلام خطر دارد و با شنیدن آن فراری می‌شوند.

### ساخت بنزین از برگ گیاهان

یک مرد هندی اخیراً توانسته است با ترکیب و جوشاندن برگ انواعی از گیاهان و چند ماده‌ی شیمیایی همراه با افزایش بنزین معمولی، نوعی سوخت ارزان با درجه‌ی احتراق بالا چون بنزین معمولی تولید کند. کارشناسان هندی پس از بررسی «بنزین» تولید شده اعلام کردند که این محصول واقعاً دارای کیفیت مطلوب می‌باشد و نیرنگی در کار تولیدکننده نبوده است.



به مناسبت سالگرد کشتار هزاران زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷

از آن روزهای تلخ...

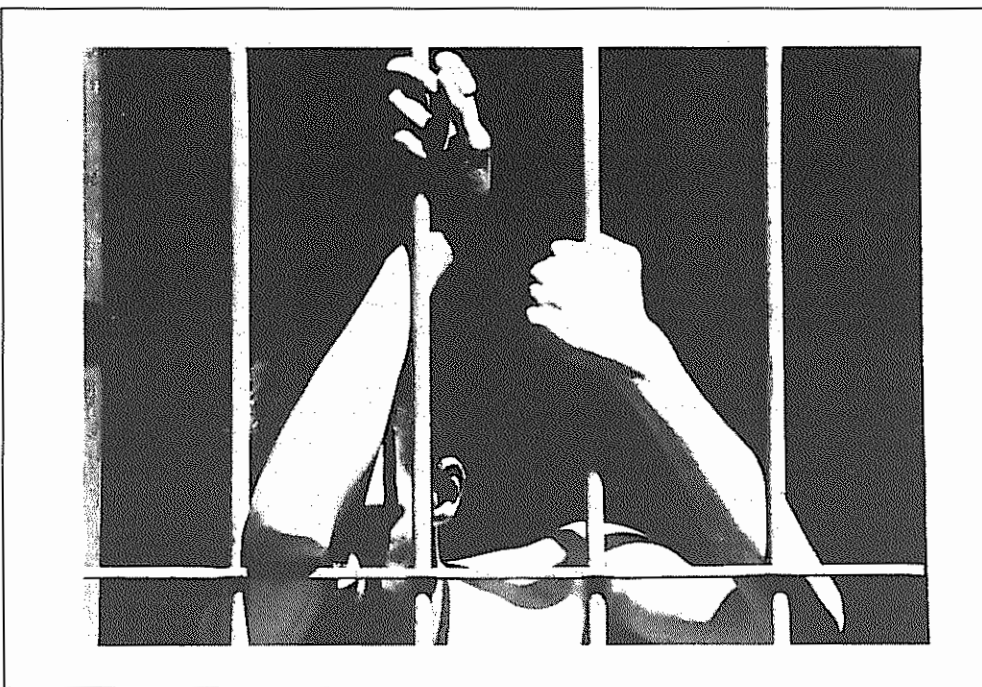
تلخ

نه هم چون همه تلخی‌ها

نیما پرورش

زایش دردناکی است  
اما از آن گریز نیست  
بار ایسان و طلیفه شانه  
می‌شکند  
مردانه باش!

احمد شاملو



همه بلا تکلیف بودیم

ف. آزاد

نه؟ نماز می‌خوانی یا نه؟  
جواب نه برای نماز خواندن حکم تعزیر را به دنبال داشت. کسانی که این حکم را می‌گرفتند به بند می‌آمدند و بعد آنها را برای اجرای حکم می‌بردند. از بند سه، در دو سه نوبت، حدود پانزده بیست نفر را بردند. پس از چند روزی یکی دو نفر از زندانی‌های بند آزادی‌ها به بند برگشتند و ما موفق شدیم با آنها تماس بگیریم. آنها گفتند همه را پنج بار در روز در راهرو آسایشگاه شلاق می‌زدند. یک نفر خودکشی کرده بود و چند نفر دیگر هم اقدام به خودکشی کرده بودند ولی موفق نشده بودند. هر کس نماز خواندن را می‌پذیرفت، بعد از چند روز به بند برش می‌گرداندند. جیره شلاق برای کسانی که نمی‌پذیرفتند نماز بخوانند، بیست و پنج روز ادامه داشت. همه به شدت زخمی شده بودند. گفته بودند همه‌شان را اعدام می‌کنند.

در این مدت خبر کشتار از طریق سلول‌ها، گوش سپردن به گفتگوهای پاسداران، نگهبانان و شنیدن صدای شلیک گلوله‌ها و شعارهای پاسداران هنگام رژه‌های روزانه، کم و بیش در زندان پخش شده بود. بند در بهت و نگرانی بود. یک نفر که مدت‌ها در سلول در انتظار اعدام بود ولی سرانجام به بند برگشته بود می‌گفت:

همه ما را از بند به سلول می‌بردند و بعد به دادگاه می‌فرستادند. دادگاه با حضور یک حاکم شرع و حلوائی مسئول اعدام‌ها تشکیل می‌شد. در اتاقی در بسته که پنجره‌های آن را هم با پتوهای زندان پوشانده بودند. سؤالات کوتاه بود: از مجاهدین بعد از پرسیدن اسم و مشخصات و تعلق سازمانی و میزان محکومیت، می‌پرسیدند آیا حاضر به محکوم کردن عملیات مجاهدین هستید یا نه؟ آیا مصاحبه ویدیویی می‌کنید یا نه؟ در مورد بعضی‌ها پاسخ آری یا نه فرقی نمی‌کرد و در هر حال حکم اعدام صادر می‌شد. کم و البته به طور نسبی همه چیز روشن شد. از همان پنج مرداد شروع به اعدام کرده بودند. سلول‌های انفرادی صف مرگ بود. صدای بریدن رفاق و دوستان برای اعدام. صدای شلاق خوردن بچه‌ها در وعده‌های نماز، دیوانه‌ها می‌کرد. یک بار من و چند نفر دیگر را برای اعدام نمایشی بردند. یک بار ما را به پیشه‌های اوین بردند و گفتند چشم‌بندهایمان را برداریم. تعداد زیادی را روبروی ما دار زده بودند و ما را مجبور می‌کردند به آنها نگاه کنیم. یکی از زندانی‌های بند ما از دختری تعریف می‌کرد که همسرش را جلو چشم او دار زده بودند. می‌گفت موقع دار زدن گردنش شکسته بود. او که خود و شوهرش در دو از توابعین بودند، دچار آشفتگی روانی شده بود. همیشه در کابوس واقع بود و مدام فریاد می‌زد.

بلا تکلیفی و آشفتگی بند چهار ماه ادامه داشت. تنها پس از برقراری مجدد ملاقات‌ها و تماس با خانواده‌ها بود که عمق فاجعه برای ما روشن شد. تنها از بند ما حدود ۳۰ نفر اعدام شدند. روز ملاقات روز هراس و ترس بود. تا چند ماه در هر ملاقات خبر مرگ عزیز می‌رسید و بند در ماتم فرو می‌رفت.

آذر ۷۳

در سال ۶۷ تمامی زنان زندانی در ساختمان سه طبقه موسوم به «آموزشگاه» متمرکز بودند. طبقه اول «بند یک» بند آزادی‌ها بود. یعنی زندانی‌هایی که حکم آنها مدت‌ها بود تمام شده بود. طبقه دوم «بند دو» بند بریده‌ها و منفعل‌ها بود و طبقه سوم «بند سه» بند سر موضعی‌ها. من در آن زمان در بند ۳ بودم همراه با ۷۰ زندانی مجاهد و ۸۰ زندانی چپ. روز سه‌شنبه ۴ مرداد اخبار ساعت ۲ رادیو از بلندگو پخش شد. خبر کوتاه بود. حمله ضد انقلاب به مرزهای غربی و فرمان بسیج عمومی از طرف خمینی. هر چند پخش خبر نشان از بروز حادثه‌ای داشت ولی هیچکس در ابتدا عمق فاجعه را نیافت. بند آرام شده و همه به فکر فرو رفته بودند. تنها جنب و جوشی بین بچه‌های مجاهد بود.

۵ مرداد دستور جمع آوری روزنامه‌ها از طرف نگهبان بند داده شد و بعد از مدت کوتاهی تعدادی پاسدار زن و مرد وارد بند شدند. یکی از مردها تلویزیون را برداشت و دیگران به همه اتاق‌ها رفتند و همه روزنامه‌ها را جمع کردند. همان روز مریم و فریبا و صدا زدند، که هر دو مجاهد بودند. عصر آن روز چهار نفر دیگر را صدا زدند. یکی از اینها که اشتباه او را به بند برگردانده بودند گفت که اوضاع او این به شدت متشنج است و همه را به دادگاه می‌برند. البته او را بلافاصله بردند. آن روز وسایل این دوستان را هم گرفتند و این دو کنار خبری که او داد نشانه بدی بود. ظرف دو سه روز تمامی زندانی‌های مجاهد را صدا زدند. به نظر می‌رسید ارتباط بند با بیرون کاملاً قطع شده است. بند حالتی بسیار آشفته و پریشان داشت. اکثر زندانی‌ها حدس می‌زدند اعدام شوند. صحنه‌های حفاظتی بسیار دردناک بود. یکی از دردناک‌ترین آنها، برای من، خداحافظی با منیر بود. مرا سخت در آغوش گرفته بود و از من می‌خواست که گریه نکنم. می‌گفت اگر روزی آزاد شدی به بچه‌های من سر بزنی، آنها هیچکس را ندارند. همه بند، گریه‌کشان، رفتن دوستان‌شان را به مسلخ شاهد بودند. آنها را بردند و بعد از گرفتن وسایل‌شان، آخرین امیدها و تعلق‌ها قطع شد. چه سخت و دردناک بود. باورکردنی نبود.

بند کاملاً منزوی شده بود. ملاقات‌ها قطع بود. حتی مریض‌ها را به بهداری نمی‌بردند. هر گونه رفت و آمدی قطع شده بود. بند تواب‌کنار بند ما بود. گاه با چسباندن گوشمان به در و دیوار، سعی می‌کردیم اخبار را از تلویزیون بند آنها بشنویم اما چیزی دستگیرمان نمی‌شد. روز ۱۴ مرداد نماز جمعه از بلندگوی بند پخش شد. صحبت‌های موسوی اردبیلی راجع به حمله و کشتار و بعد شعارهای مکرر نمازگزاران: «منافق مسلح اعدام باید گردد» نشانگر عزم رژیم برای کشتار بود.

بند بلا تکلیف بود. بعضی‌ها را تک تک صدا می‌زدند. همه منتظر سرنوشتی مشابه بودند. بعضی‌ها ساک‌هایشان را بسته و اسم و مشخصات خود را هم روی آنها نوشته بودند. بعد از مدتی نوبت زندانی‌های چپ رسید. آنها را به دادگاه فرا می‌خواندند. سؤالات دادگاه کوتاه و مشخص بود: اسم و مشخصات. اتهام. میزان محکومیت. مسلمان هستی یا

و باهتر دادگاه‌های اوین و گهر دشت تعطیل بود.  
بندهای ۷ و ۸ به کلی خالی شده بود. شب ۸ شهریور تنها کسی که از دادگاه به بند آورده شده بود، با مرص به دیگران اطلاع داد که تمام کسانی که در دادگاه که اعلام کنند مسلمان نیستند و نماز نمی‌خوانند، اعدام می‌شوند و هر کس را که بگوید مسلمان است ولی نماز نمی‌خواند، به ۲۰ ضربه شلاق در هر وعده نماز محکوم می‌کنند.

جریان رخدادها بسیار متفاوت با آنچه بود که در آذهان خویش داشتیم. بنابر این تنها فرصت ممکن برای اصلاح آن و آسودگی جهت مقابله با آنچه پیش رو بود، همان شب بود. تعدادی اعلام کردند حاضر به دفاع از مارکسیسم نیستند و عده دیگری هم گفتند که آنها به هر روی از مارکسیسم دفاع خواهند کرد. آن شب تا هنگام صبح، همه مشغول بحث و گفتگو بودند. من به درستی نمی‌دانم که هر یک از افراد، چه آنها که تصمیم به عقب‌نشینی گرفتند و چه آنها که تصمیم به دفاع از ایدئولوژی خود گرفتند، چگونه بر بخت درونی خویش فائق آمده بودند، ولی این را

و زندان، نبردی نابرابر بود. در آن سوی درهای بند، زندانیانی با تمامی امکانات سرکوب و استبدادهای کشتار انسانی قرار داشتند و در این سو، زندانیانی که تنها ابزارشان در این نبرد، تربیت سیاسی و فکری بود. و ما علیرغم تمام استبدادی که برای کشتار انسان‌ها، در زندان‌ها با خود سراغ داشتیم، فاجعه‌ای را که سازمان داده بودند و به پیش می‌بردند، باور نداشتیم! اکنون این نکته بر ما بسیار بدیهی می‌نماید که رژیم از مدت‌ها قبل خود را برای آن کشتار آماده می‌کرد.

در یک روز جمعه یازدهم ماه ۶۶ زندانیان بند ۷ را که بالای ساختمان بند ۸ زندان گهر دشت قرار داشت و هواخوری روزانه‌شان صبح‌ها تا ساعت ۱۲ بود، داخل بند نگه داشتند. بلافاصله مرص به کار افتاد و خبر گرفتیم که افراد بند را دسته دسته بیرون می‌برند و در فصری بند (اتاقی که در ورودی بند قرار داشت) مورد پرسش قرار می‌دهند. سؤالات بنابر تملق هر یک از زندانیان به گروه‌های چپ و با مجاهدین به دین گونه بود: اتهام سیاسی، آیا مسلمان هستید یا نه؟ آیا مارکسیسم را قبول دارید یا نه؟ آیا حاضر به مصاحبه و محکوم کردن گروه و سازمان خود (در مورد مجاهدین به طور مشخص سازمان مجاهدین) هستید یا نه؟

این داستان ادامه پیدا کرد و تمام بندها را به این ترتیب بازپرسی مجدد می‌کردند. نوبت به بند ما هم رسید. ما را نیز همچون دیگران، بعد از این سؤالات، به داخل بند برگرداندند. هر چند این سؤالات اولین باری نبود که صورت می‌گرفت، و تمام زندانیان در مراحل مختلف و در زندان‌های مختلف، در بازجویی، زیر شکنجه، روی تخت «تجزیه» و ... در برابر این سؤالات قرار می‌گرفتند، اما آنچه تازه می‌نمود، موضوع زندانیان مجاهد بود. آنها یکباره و برخلاف تمام سالیان اخیر، اعلام کردند که مجاهد هستند و مصاحبه را نیز نمی‌پذیرند.

در اسفند ماه ۶۶ تفکیک جدیدی در زندان‌های اوین و گهر دشت صورت گرفت: کلیه زندانیان چپ و غیر مذهبی را از زندانیان مذهبی جدا کردند. حتی تعداد اندکی از بهائیان را که در سال‌های ۶۵ و ۶۶ دستگیر شده و به عنوان تنبیه به بند ما آورده بودند، مجدداً به بندهای خودشان، بند سلطنت‌طلبان، بازگرداندند. علاوه بر این، زندانیان همچنین بر حسب میزان محکومیت هم تفکیک شدند و زندانیان «ملی‌کش» نیز که از سال ۵۵ پس از انحلال زندان قزل حصار، به اوین منتقل شده بودند، به جمع ما اضافه شدند (ملی‌کش اصطلاحی بود که از زمان شاه در زندان‌ها رایج شده بود و به کسانی گفته می‌شد که با وجود تمام شدن مدت محکومیت‌شان به خاطر پذیرفتن شرایط دادستانی، مثل ابزار آنزجار از نیروهای سیاسی و یا مصاحبه ویدیویی، آزاد نمی‌شدند). آن دسته از زندانی‌های چپ را که مارکسیسم را رد کرده و حاضر به مصاحبه شده بودند، نیز در بند جداگانه‌ای جای دادند.

عید سال ۶۷ فرا رسید. این عید را نیز همچون عیدهای گذشته جشن گرفتیم و این فرصتی بود برای اینکه احساس شادی را در خود زنده نگه داریم و این احساس زنده بودن را با فریاد سرود بهاران خجسته پاده که در راهرو بند خوانده می‌شد، به گوش زندانیان بارسانیم.

چندی بعد در اردیبهشت و خرداد، اخبار مستمندی از اعصاب غذایی زندانیان مجاهد به دستمان می‌رسید و این بی‌سابقه بود. زیرا تا مدتی قبل، برای کوچک‌ترین حرکت اعتراضی، می‌بایست ساعت‌ها و روزها با زندانیان مجاهد به بحث نشست، اما اکنون خبرهای زیادی حاکی از حرکات اعتراضی آنها می‌رسید. فضای داخلی زندان به راستی تغییر کرده بود. زندانیان مجاهد در ساعات هواخوری ورزش‌های میلیتاری می‌کردند. در اعتراض به کمبود غذا دست به اعصاب غذا می‌زدند. چه اتفاقی افتاده بود که آنان یکباره سیاست خود را عوض کرده بودند؟ نمی‌توانستیم بفهمیم. این اخبار به قدری زیاد بود که ما سرگیجه گرفته بودیم. حتی احساس استعمال و عقب‌ماندگی می‌کردیم. فکر می‌کردیم شاید طول سال‌های زندان ما را پیر و محافظه‌کار کرده باشد.

مسئله دیگری که در این ماه‌ها اتفاق افتاد، انتخابات مجلس بود. در یک روز جمعه، ما را چشم‌بند زدند و در راهرو بند به صف کردند. ناصریان (دادار زندان‌های قزل حصار و گهر دشت، که پس از حذف تدریجی جناح مستظرفی از زندان‌ها تقریباً همه کاره محسوب می‌شد و در کشتار ۶۷ عمده داشت)، با فریاد گفت هر کس حاضر نیست رأی بدهد باید اعدام کند و همراه نام و مشخصات خود ورقه را امضا کند. این عجیب بود. او که می‌دانست هیچکدام از ما رأی نمی‌دهیم. پس این حرکت چه معنایی داشت؟

در اوایل خرداد ماه، خبر اعدام کسانی را شنیدیم که طی سالیان قبل دستگیر شده و هنوز حکمی نگرفته بودند و دژبر حکمی محسوب می‌شدند. اواسط خرداد ماه، رفتن جناحی مجلسی خبرگان را به تشکیل جلسه فرا خواند و در ۲۷ تیر ماه پیام خمینی مبنی بر پذیرش صلح و نوشیدن جام زهر را از تلویزیون و بلندگوهای بند شنیدیم. در کمال حیرت و ناباوری دیدیم که رژیم صلح را پذیرفت. مگر این همان خمینی نبود که هزرت و سرفرازی اسلام را در گروه همین جنگه می‌دانست و در واقع سرنوشت رژیم را با آن گره زده بود؟ چگونه صلح را پذیرفته بود؟

با شنیدن این خبر بحث‌ها و تبادل نظرهای مختلف بین ما و بندهای دیگر به جریان افتاد. ما با بندهای دیگر توسط مرص تبادل نظر می‌کردیم. به طور کلی، همگی مان می‌اندیشیدیم که پذیرش صلح از سوی رژیم، تنش‌های وسیعی ایجاد خواهد کرد و رژیم خود را در مقابل خواست‌های فروخورده توده‌های ناراضی در اثر سالیان جنگ، ناتوان خواهد یافت و ناگزیر از تشدید سرکوب و ایجاد موج جدیدی از خفقان در جامعه خواهد بود. اما این سرکوب مقطعی است و رژیم ناگزیر از باز کردن کلدژی فضای اجتماعی است و حتی پیش‌بینی می‌شد که واکنش

روزی ۷ و ۸ شهریور به دلیل تقارن با سال روز کشته شدن رجایی

دو مطلب چاپ شده در این صفحه، از نشریه چشم انداز شماره ۱۳ برگرفته شده است.





## جویندگان کار دور از دیار و غریبه در خیابانها

✱ کارگران ساختمانی، بیمه نیستند، هیچوقت بازنشسته نمی شوند و

فقط هنگامی از کار دست می کشند که توان کار را از دست می دهند.

✱ در میدانهای تهران، دستمزد کارگران بر حسب جثه، سن و ملیت

متفاوت است

ابراهیم سیاه، گله به گله از سوی غرب می آیند و در منتهی الیه شرقی کپه کپه روی هم تلپار می شوند و آخرین روزهای آسمان بر روی چشمهای نگران بسته می شود. نگاه همه به البرز مغرور است که برف سنگین شب گذشته، تارک قله هایش را سپید کرده و رسیدن زمستان را به رخ می کشد. چهره مردمانی که دامان طبیعت قد کشیده اند با اولین سوز باد گل انداخته و سپیدی کوه، بر رقابت میان کارگران ساختمانی افزوده است.

از هر غریبه ای که سرو وضعی متفاوت با جمع کارگران دارد، بوی کار به مشام می رسد.

غریبه ها توسط کسانی که بستجه هایشان را سخت به چنگ گرفته اند، دور می شوند و همواره این درشتها هستند که سوا می شوند، صفر علی محمدیار یا ۶۵ سال سن، بست چندانی برای انتخاب شدن ندارد. مزد کارگران در اینجا بر حسب جثه، ملیت و سن آنان متفاوت است، اکثرشان تن پوش مناسبی ندارند، این پا و آن پا می شوند و سرما را با سنگینی بدنشان از پای به پای دیگر، انتقال می دهند.

به جمعی ده نفری نزدیک می شویم که با دیدن ما، چشمانشان برق می زند، صحبت که می کنند واژه شان رنگ دشتهای سرسبز مغان را دارد. این جمع تا کی می خواهند کار کنند؟

انصاف علی، آنقدر که سر زمستان سخت بتواند خرج یک خانوار هشت نفری را تدارک ببیند، قادر، تا وقتی که کارهای ساختمانی بکلی بخوابد و یا حتی خرده کاری ساختمانی هم تمام شود و فرمان و حیدر هم تا آخر می ایستند و خواهند ایستاد و همه اینها را با منطقی بی بدیل و تنها در یک جمله توضیح می دهند: «دست خالی نمی توان برگشت».

اما جوانترها انگیزه دیگری دارند، مصاف با کار برای محسن، تقدیر و محمد تا کی می کشند: «اگر خدا بخواهد» نوید تشکیل خانواده ای را می دهد. عده ای ساکن شهر شده اند و برخی بویژه اگر وضع محصول رضایت بخش نباشد، وقتی کارهای کشاورزی شان تمام می شود، اگر فضای آمنوس و رخوت انگیز قهوه خانه های روستا را به

سینما متروپل لاله زار و سینما بهمن میدان انقلاب ترویج ندهند و نشستن در سینه آفتاب، پشت به یک دیوار کاه گلی، با چشمانی نیم بسته و پرحرفی در مورد همه چیز، از پیش بینی وضع محصول سال آینده تا وضعیت قیمت ها و حتی قیمت دلار! وسوسه شان نکند، تا شهر می گویند و یک نفس می آیند. خوش نشینها هم که این تعارف را ندارند بدون این ملاحظات هم، پای ثابت میدانها و چهارراههای تهران و شهرهای بزرگند.

دستمزد یک کارگر ساده ساختمانی حول و حوش ۱۵۰۰ تومان است. اما امروز هوا خوب نیست و در میدان امام حسین از جمع نیروی کار چندان کاسته نشده است، اسفندیار محمودی با ۹۰۰ تومان هم کار خواهد کرد و قدیر شاید با کمتر از این مبلغ. کارگرهای ساختمانی، سحرخیزتر از خورشیدند، آنان در بیشتر میدانهای تهران از دروازه غار تا گمرک، از رسالت تا سرپل تجریش، از انقلاب تا میدان خراسان و ... حضور دارند.

ایسن کارگران بیمه نیستند، هیچوقت بازنشسته نمی شوند و فقط هنگامی از کار دست هنگامی از کار دست می کشند که واقعاً توان کار از آنان سلب شود. برخی از آنان در هنگام کار، دچار سانحه ای می شوند و کار بعضی بعد از وقوع این سوانح، حتی به تکیه نیز کشیده می شود.

سید مرتضی فراهانی، بنایی بی کار با ۴۲ سال سن، به گفته خودش از اول سال سر جمع، حتی یک ماه هم کار نکرده است. از وقتی که از تهران عمل شده، اما پای چپش دیگر برایش پا نشده است.

دستمزد کارگران فصلی با بارش اندکی باران، برنی مختصر یا وجود چند کارگر اضافی در نوسان است. برخی از آنان هر روز صبح به امید کار می آیند ولی اغلب دستمال نهارشان در قهوه خانه ها گشوده می شود. جوانان در دسته های چند نفری به شهر می آیند و در اتاق های تنگ با حداقل امکانات معیشتی و در فضایی با شرایط نامناسب فرهنگی به سر می برند، در این محیطها کافی است تا یک نفر به قول «اسماعیل تیمورلو» ناصالح و به قول «خلیل حاجی» ناخلف باشد تا ...

## گسترش مطالبات کارگری

- اعتراض به عقد قراردادهای موقت کار، که امنیت شغلی کارگران را با مشکل مواجه ساخته است.

- کمبود تجهیزات درمانی و پزشکی در درمانگاههای تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی و عدم ارزش دفتربه های بیمه نزد داروخانه ها.

- ورود بی رویه کالاها خارجی و رکود و تعطیل کارخانجات داخل، که منجر به اخراج کارگران و بیکاری آنان گردیده است.

- نبود امنیت شغلی و اخراج کارگران توسط کارفرمایان بطور یک جانبه

- گسترش امکانات ایمنی محیط و جلوگیری از حوادث ناشی از کار.

- عدم توجه به اجرای طرح طبقه بندی مشاغل.

- تلاش در جهت افزایش سقف معافیت مالیاتی کارگران.

ایجاد نهادهای صنفی کارگری و برخورداری از حق تحصن و اعتصاب. همچنین می توان طرح بازنستگی پیش از موعد کارگران را یادآور شد که شامل کارگرانی است که در شرایط سخت و طاقت فرسا مشغول به کار هستند، و لازم است که به لحاظ

## آمار بیکاران رو به افزایش است

✱ میزان اشتغال زنان در سال ۷۰ در بخش صنعت کمتر از نیمی از اشتغال آن در دهه ۵۰ بود

شدت بحران در عرصه های مختلف اجتماعی است. شمار بیکاران و شاغلان چند نفرند؟ بنا بر آمار رسمی نرخ فعالیت در سال ۱۳۵۵، بالغ بر ۲۹ درصد بوده و در سال ۱۳۷۰ به ۲۶ درصد تقلیل یافته است. به بیان دیگر تنها ۲۶ درصد جمعیت کشور فعال بوده اند. نرخ فعالیت در بین زنان از ۴/۳ درصد در سال ۵۵ به ۲/۹ درصد در سال ۱۳۷۰ تنزل کرده است. یعنی اگر اشتغال کامل فرض شود از هر ۱۰۰ نفر زن در سال فقط ۲/۹ نفر مشغول بکار بوده اند.

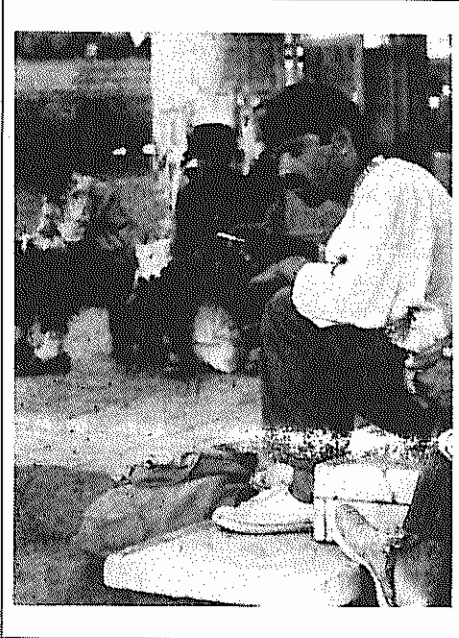
روند اشتغال زنان از سال ۵۵ تاکنون تناسب معکوسی با رشد جمعیت فعال کشور دارد. در فاصله سالهای ۵۵ تا ۶۵، بیش از ۴۰۰ هزار کارگر زن از فعالیت های تولیدی کنار گذاشته شده اند.

میزان اشتغال زنان در بخش صنعت در سال ۷۰، کمتر از نیمی از اشتغال در دهه ۵۰ بود. در بخش صنایع نساجی و پوشاک علیرغم حضور سنتی گسترده زنان در این عرصه، باز هم روند اشتغال رو به کاهش بوده و سهم زنان در فاصله ده سال از ۶۰ درصد به ۳۰ درصد تنزل یافته است.

حجم بیکاری آشکار و پنهان در کشور در سال ۱۳۶۷ بیش از ۴۷ درصد کل نیروی کار یعنی ۵/۸ میلیون نفر بوده است. بر این اساس در این سال هر فردی که شاغل بوده، با تکفل و تامین نان ۶/۷ نفر را به دوش داشته است. این رقم بیش از سه برابر کشورهای صنعتی است.

سرشماری سال ۶۵ نشان می دهد که ۲۳ درصد از جمعیت ایران که در ردیف شاغلان در دفتر آمار ثبت شده اند در تولید نقشی نداشته اند و در واقع جزو بیکاران پنهان بوده اند. ارزیابی همین آمارها نشان می دهد که بیکاری پنهان که بر اثر سیاست های اقتصادی شکست خورده رژیم روزبروز بر میزان آن افزوده می شود و گرایش به فرهنگ دلالی و تبدیل نیروی فعال کشور به زائده سرمایه دلالی تقویت می گردد.

جمهوری اسلامی از بیان آماری مسائل اجتماعی هراس دارد. آمار بیکاران، آمار زاد و ولد، آمار بدهی خارجی و ... رژیم واهمه دارد که اعلام آمارهای واقعی دستمایه افشاگری علیه آن شود. تا زمانی که چنین است، دستیابی به آمار دقیق تحولات اقتصادی کشور نیز مقدور نیست. اما آمار دستکاری شده در مطبوعات رسمی نیز بیانگر



## کارگری جوان: برای دادن ودیعه به صاحبخانه مجبور شدم کلیه ام را بفروشم

گفتگو با چند تن از مراجعه کنندگان به اداره کار استان تهران:

استان تهران مراجعه کرده می گوید: پدرم در یک شرکت کارهای حمل و نقل رانندگی را انجام می داد، مدت سه هفته است که صاحب کار او پدرم را اخراج کرده است.

- چه مدتی پدرتان در آن شرکت کار می کرد؟

● حدود ۱۰ سال.

جوان ۲۴ ساله نامه به دست را چندین بار در طبقات مختلف ساختمان وزارت کار دیدم. از او علت مراجعه اش را پرسیدم، گفت: به دنبال کار مناسبی هستم تا بتوانم چرخ زندگی را بچرخانم. سه هفته است که به اینجا رفت و آمد می کنم. می خواهم کار مناسبی به من بدهند و بعد هم مرا بیمه کنند. کاری که خرج و مخارجم تامین شود تا بتوانم جلوی همسر و دختر کوچکم خجالت زده نباشم.

- مشکل شما چه بود؟

● می خواستم خانه ای اجاره کنم اما پول پیش نداشتم ناچار شدم کلیه ام را بفروشم و پول آن را بابت ودیعه به صاحب خانه بدهم.

- چند وقت است بیکاری؟ قبلاً چه کار می کردی؟

● کمتر از یک سال. قبلاً در بازار در یک تولیدی کار می کردم. اما بازار را راکد شد و من با مشکل مواجه شدم. پس از مدتی کار خرید و فروش کردم. دیدم از آن طریق نمی توانم زندگی ام را تامین کنم.

- خرید و فروش چه چیزی؟

● هر چیزی که گیرم می آمد.

مردی ۵۸ ساله از علت مراجعه خود به این اداره می گوید: ۱۸ سال است که کارگر نانوائی هستم. ۶ ماه قبل از عید برای یک نانوائی شروع به کار کردم اما چند روز به عید مانده یعنی درست ۲۰ روز به سال جدید او مرا اخراج کرد.

● علت اخراج شما چه بود؟  
● او می خواست فامیل خود را سر کار بیاورد و برای همین از من بهانه های مختلف می گرفت تا این که ۲۰ روز قبل از عید بدون این که حق و حقوق مرا بدهد بیرون کرد.

- منظورتان از حق و حقوق چیست؟

● او حقوق، عیدی و پاداش مرا نداد. چون چند ماه پهلوی او کار کردم. به من بن و چیزهای دیگر تعلق می گیرد که او آنها را نداد. برای همین به اینجا شکایت کردم تا حق و حقوقم را بگیرم و بتوانم از بیمه بیکاری استفاده کنم.

- در حال حاضر چگونه مخارجتان را تامین می شود؟

● پس از این که از نانوائی بیرون آمدم چند جا سر زدم ولی کاری پیدا نکردم. مخارجمان هم فعلاً پسر ۱۷ ساله ام کار می کند و پولی به من می دهد.

- چند تا فرزند دارید؟

● ۸ تا فرزند دارم که بزرگترین آنها ۲۵ ساله است که در خانه شوهرش است. تنها دو پسر دارم که یکی از آنها کار می کند.

جوانی ۲۴ ساله که جهت پیگیری کار پدرش به اداره کار

## تکرار حوادث فاجعه بار در معادن کشور

بنا بر اخبار و گزارشات حاصله در مراکز تولیدی و معادن کشور سالانه تعداد زیادی از کارگران دچار سوانح ناشی از کار می گردند که تاکنون بخش قابل توجهی از این رویدادهای غمبار، منجر به از دست دادن جان و نقص عضو کارگران گردیده است.

طی سپری شدن مدت کوتاهی از حادثه تونل معدن باب نیرو کرمان، که به قیمت از دست دادن جان کارگران و مجروح شدن آنان انجامید، حوادث مشابهی دیگر به طور مکرر در داخل تونلها به وقوع می پیوندد در این خصوص هیچ گونه اقدامی از طرف وزارت کار امور اجتماعی و درگیر ارگان های مسئول صورت نمی پذیرد.

کارگران معادن بارها از مسئولین و مسدیران سازگناه و وزارت کار

خواستار مجازات مسببین این نوع حوادث اسفبار گشته اند. و بارها تاکید داشته اند که مسئولین بر معادن نظارت لازم را به عمل نمی آورند.

پاسخ مانده و به امور مربوط به ایمنی معادن نیز اقدام و پاسخ درخور داده نشده است.

دبیر اجرایی خانه کارگر کرمان طی درج مطلبی در کار و کارگر می گوید:

«جای بسی نگرانی و تأسف است که شریف ترین افراد جامعه این گونه جان می بازند ولی کوچکترین تسلیتی از طرف مسئولین به خانواده آنان گفته نمی شود. مگر انسانها چقدر با هم فرق دارند؟

آیا کارگران که سخت ترین کارها را در سخت ترین شرایط و با حداقل امکانات و دستمزد انجام می دهند باید به بوته فراموشی سپرده شوند، تا کسی باید کارگران این معادن مظلومانه فدای بی احتیاطی و عدم رعایت ایمنی توسط مدیران وزارت کار و امور اجتماعی شوند.



## گرفتار

«گفتگوی انتقادی» غرب با ایران باید پا بر جا بماند

چندی قبل عباس معروفی طی مقاله‌ای با عنوان «چه کسی ما را یاری می‌دهد؟» که در هفته نامه دی تسایت به چاپ رسید، سیاست دولت آلمان در قبال جمهوری اسلامی را مورد انتقاد قرار داد. شتاین باخ مدیر دانشکده خاورشناسی هامبورگ که جزو نظریه پردازان سیاست «گفتگوی انتقادی» با جمهوری اسلامی است، مطلبی را با عنوان «گرفتار» در پاسخ به عباس معروفی بچاپ رساند. در ماههای اخیر «سیاست گفتگوی انتقادی» شدیداً از جانب احزاب اپوزیسیون زیر ضرب رفته است و بی حاصل بودن این سیاست در صحنه بین‌المللی روشن تر گشته است. ما برای آشنایی خوانندگان با پایه‌های فکری سیاست «گفتگوی انتقادی»، مقاله اشتاین باخ را در زیر درج می‌کنیم.

معروفی مدعی می‌شود درست است که گفتگو همواره در جریان بوده است «اما در این میان هیچ‌گاه انتقادی در میان نبوده است». در این مورد باید با معروفی مخالفت کرد. واقعیت این است که گفتگو از ابتدا بر انتقاد متکی بوده است. مسئله برای ما آن چیزی بوده و هست که برای جامعه بین‌المللی غیر قابل پذیرش می‌باشد؛ در درجه اول کمبودهای موجود در زمینه احترام به حقوق بشر؛ حکم قتل علیه سلمان رشدی. رابطه آنان با ترور موضوع دردم‌تنبه دوم است. موضوع سوم موضع ایران نسبت به روند صلح اعراب و اسرائیل است و این مسئله که ایران باید تلاش خود در جهت تجهیز به سلاح‌های اتمی را متوقف کند. صحبت بر سر آن است که چگونه باید این انتقاد را به روشنی بیان کرد و به آن وزن سیاسی داد. اروپا - و به ویژه دولت فدرال آلمان - تصمیم به دیالوگ گرفته است. این برداشت که این تصمیم تنها بر اساس کوشش‌های فرصت‌طلبانه جهت کسب منافع اقتصادی اتخاذ شده است، به یقین برداشتی سطحی است. تجربه آلمان مبنی بر «دگرگونی در نتیجه نزدیکی» را می‌توان از زوایای دیگری نیز بررسی کرد. اما می‌توان در این سیاست جلوه احترام به ملتی را دید که موقعیت معنوی و سن فرهنگی آن این انتظار را بر حق می‌کند که خود آن ملت قابلیت آن را دارد که روندهای منفی تاریخ خود را اصلاح کند.

«گفتگوی» ما وظیفه حمایتی دارد. حسابی که واشنگتن باز کرده است تنها به آن نیروهایی در تهران یاری می‌رساند، که همواره در این جهت تبلیغ می‌کنند که «غرب» هنوز برخورد قیام‌مآبانه و مغرور خود را کنار نگذاشته است. هدف «دیالوگ» انتقادی مبنی بر خواست «آزادی بیان و فکر» کاملاً بر خواست معروفی منطبق است.

طبیعتاً این سؤال باقی می‌ماند که آیا این سیاست موفق بوده است. تا کنون تغییر جبهتی اساسی و چشم‌گیر در سیاست ایران رخ نداده است. اما نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که برای رهبری تهران چهره جمهوری اسلامی در جهان بی‌اهمیت نیست. «دیالوگ انتقادی» ایران را در این موضع گرفتار کرده است که با موضوعات مطروحه برخورد کند که آن را در نظر آمریکا به رؤیسی منزوی بدل کرده است. در این زمینه گام‌های امیدوارکننده‌ای نیز برداشته شده است؛ پذیرش عدم ادامه تعقیب فعال سلمان رشدی؛ آمادگی نه تنها برای گفتگو پیرامون موضوع حقوق بشر،

بیانیه کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

## سال‌های ستیز با فرهنگ

گردن به خاطر انتشار چند مقاله مخالف حکومت و محکوم ساختن سردبیر آن عباس معروفی به زندان و شلاق، حمله چماقداران انصار حزب‌الله به سخنرانی عبدالکریم سروش و مضروب کردن مردم حاضر در سخنرانی، حمله به سوگوارانی که برای بزرگداشت خاطره سیاوش کسری شاعر در مسجدی در تهران گردآمده بودند. به آتش کشیدن فرهنگسرای اندیشه در گوتنبرگ سوئد برای خاموش ساختن صدای مخالفت مسئولین آن با جمهوری اسلامی ایران، حمله به دفتر «جشنواره سینمای ایران در تبعید» در گوتنبرگ سوئد به خاطر مرعوب ساختن مسئولین آن، و موج جدید دستگیری، شکنجه و آدم‌ربایی و ترور، بر طبق گزارش سازمان عفو بین‌الملل.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) به مناسبت نشست همگانی سالانه خود، نگاه هم‌میهنان مقیم خارج کشور و مردم آزادی خواه همه جهان را به روزگار تیرهای که بر میهن ما سایه گسترده است معطوف می‌دارد و در بزرگداشت خاطره ستارگان فروزان سیاهترین شبهای تاریخ ایران. در دفاع از آزادی اندیشه و بیان و در مبارزه با آزادی‌کشی و فرهنگ ستیزی رژیم اسلامی، از آنان چشم یاری دارد.»

نخست، مهرداد بهار که به مرگ بیگانه خاموش شد؛ از دانشمند تاریخ و فلسفه، منتشر نمود. در این بیانیه آمده است: «در سالی که گذشت خانواده بزرگ فرهنگ‌ورزان معاصر میهنمان که در زیر سایه شوم نظام ولایت فقیه، همچنان رسالت تاریخی‌اش را پاس می‌دارد. بازم شماری از سرآمدان ساخت‌های گوناگون خود را در گستره‌های نرسیندگی، پژوهش، اسطوره‌شناسی، تاریخ، ترجمه و شعر و ادبیات فارسی از دست داد.

ناسازگاری ذاتی جمهوری اسلامی ایران با فرهنگ‌ورزان و نویسندگان و هنرمندان کشورمان را، نیاز به بازگویی مکرر نیست؛ «زین قصه هفت گنبد افلاک پر صداست». از مترجم فرزانه، احمد میرعلایی که جنازه‌اش در خیابان شناسایی شد؛ از سراینده منظومه ماندگار آرش کمانگیر، سیاوش کسریایی و محمد نصرنگ‌ورز فرسخیخته، محمد جعفر محبوب که دور از میهن چشم از جهان فرو بستند. تا دانشور پژوهنده روزگار

## برگزاری کنگره دوم سازمان اتحاد فداییان خلق ایران

سیاست‌های غیردمکراتیک آنها پس از انقلاب تأکید شده است. موضوع دیگر بحث این کنگره تحلیل اوضاع سیاسی جامعه و چشم‌اندازهای آن بود که با ۸۹ درصد آراء موافق به تصویب رسید. در این تحلیل آمده است:

«همه شواهد حاکی از آنست که بحران همه‌جانبه‌ای حاکم بر جامعه، در دوره آتی نیز روی به شدت خواهد نهاد. نه جمهوری اسلامی و نه هیچ‌کدام از دستجات آن قدرت مقابله و تسخیر آن را نخواهند داشت. اصلاحات خودغرضانه‌ی آنها، به تجربه‌ی سال‌های گذشته، همواره در برخورد به تناقضات ذاتی و کشاکش‌های درونی رژیم نیمه‌کره و بی‌ثمر می‌مانند.

در رابطه با این سند پیشنهاد تکمیلی طرح شعار تاکتیکی «خلع ید از روحانیت» مطرح گردید که با ۲۱ درصد رای موافق به تصویب رسید. در سس قطعنامه تعیین وظایف سازمان مورد بحث قرار گرفت و قطعنامه پیشنهادی کمیته مرکزی این سازمان که در آن وظیفه مرکزی تلاش برای ساختن آنترناتیو انقلابی، دمکراتیک در برابر جمهوری اسلامی تعیین گردید. رد شد و قطعنامه دیگری با ۵۹ درصد آراء به تصویب رسید. در این قطعنامه آمده است:

«وظیفه اصلی ما در شرایط کنونی، تقویت ارتباط سیاسی با جنبش کارگری، روشنفکری و توده‌های در داخل کشور و حفظ رابطه با نیروهای سازمان در ایران می‌باشد. حرکت در این راستا از طریق تحقق وظایف زیر عملی است:

بقیه در صفحه ۱۱

نیروهای این طیف، در موقعیت فعلی، در گرو ایجاد نهاد سیاسی پایدار است که، بر پایه یک میثاق مورد توافق شکل خواهد گرفت و تنه معیار حضور نیروها در آن، اعم از سازمان‌ها و احزاب یا محافل و اشخاص منفرد سیاسی، پذیرش میثاق مورد توافق خواهد بود.

در ادامه برخورد با سایر نیروها آمده است.

«ما با نیروهای ملی - لیبرال و چپ رفرمیست که از آزادی و جوانی از اصول دمکراتیک چندباری می‌کنند می‌توانیم در مواردی که آنها از اصلاحات دمکراتیک به نفع مردم دفاع کرده و علیه سیاست‌های سرکوب‌گرانه رژیم به مقابله برخیزند همکاری و اتحاد عمل داشته باشیم ولی رابطه و همکاری مستقل سازمانی با این نیروها نداریم بنابراین در حرکتی که با برنامه ما خوانایی دارد حضور آنان مانع شرکت و فعالیت ما نخواهد بود. برخورد‌های مصلحت‌طلبانه و

سیاست‌های سازشکارانه‌ی این نیروها بخصوص توهم‌آفرینی آنها نسبت به اصلاح‌رژیم از درون و مینا قراردادن ای مثنی در اتخاذ تاکتیک‌های آنها از جمله موانعی می‌باشند که امکان ائتلاف پایدار با آنها را در موقعیت کنونی غیرممکن می‌سازد. افشا اینگونه سازشکاریها و توهمات که از جانب آنها دامن زده می‌شود از جمله وظایف تمامی نیروهایی است که به طور واقعی به دمکراسی می‌اندیشند.»

در ادامه قطعنامه بر افشا اعمال ارتجاعی و ضد دمکراتیک مجاهدین و افشا ماهیت ضد مردمی و سیاست‌های سرکوب‌گرانه سلطنت‌طلبان قبل از انقلاب و

سازمان و قراردادن بخشی از نیروهای چپ تحت عنوان «چپ رفرمیسم» را در رده لیبرالها مورد نقد قرار داد. در کنگره در این زمینه پیشنهاد‌های متفاوتی از جانب کمیته مرکزی این سازمان ارائه گردید ولی هیچ‌کدام تصویب نشد. قطعنامه کنگره این سازمان در جهت محدودیت اتحاد عمل‌های سازمان و محدود شدن مناسبات با بخش دیگر نیروهای چپ و نیروهای ملی - لیبرال می‌باشد.

در این قطعنامه آمده است: «اتحاد چپ و ائتلاف دو عرصه مهم همکاری ما با نیروهای چپ و دمکرات می‌باشد. این دو عرصه همکاری، به موازات هم بر حسب شرایط و امکانات پیش خواهد رفت. و پیشبرد هیچ یک مشروط به انجام دیگری نیست. سیاست و برنامه در این دو عرصه به قرار زیر است:

الف - نیروهای چپ برای اینکه بتوانند پایه‌ای اجتماعی خود را تقویت نمایند، در روند مبارزه علیه رژیم و برقراریدمکراسی نقش درخور داشته باشد و بتواند مهر خود را بر تحولات اجتماعی آتسی بزنند، از جمله می‌بایست به پرکندگی صفوف خود خاتمه داده و راه را بر ایجاد جریان نیرومند چپ بگشایند.

ب - فراهم نمودن زمینه‌ی ایجاد جبهه‌ای انقلابی - دمکراتیک که اهداف اساسی آن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، برقراری دولت موقت انقلابی و فراخوان مجلس موسسان خواهد بود. وجود این جبهه در شرایط فعلی هر چند ضروریست، اما امکان ایجاد آن فراهم نیست. ضرورت تسامین این شرایط و همچنین سازمان‌یابی موثر فعالیت کنونی

پنا به گزارش نشریه اتحاد کار، کنگره دوم سازمان اتحاد فداییان خلق ایران گر تیر ماه امسال برگزار گردید. در این کنگره قطعنامه‌هایی با عنوان‌های «درباره اوضاع سیاسی و چشم‌انداز آینده، وظایف ما وحدت چپ سیاست‌های ائتلافی و نیروهای اپوزیسیون و خط مشی ما» به تصویب رسید.

یکی از مسائل مورد بحث در درون این سازمان در سالهای اخیر و در مباحث ماقبل کنگره‌اش، سیاست‌های ائتلافی بود. در قطعنامه‌های پیشنهادی کمیته مرکزی این سازمان بر ضرورت نزدیکی نیروهای چپ و ائتلاف با نیروهای دمکرات جامعه تأکید شده بود. در رابطه با نیروهای لیبرال و بخش دیگر چپ که آنها «چپ رفرمیست» می‌نامند، نظرات متفاوتی در مباحث ماقبل کنگره ای سازمان طرح گردیده بود.

قبلاً پرویز نویدی از مدافعان همکاری با نیروهای چپ مقاله‌ای در نشریه اتحاد کار در تیرماه نوشت. وی در این مقاله متذکر شد موضوع وحدت تشکیلاتی را می‌بایست از همکاری سیاسی جدا کرد و در این زمینه می‌بایست برنامه و پلانم سازمان‌ها سیاسی را مینا قرارداد. او سرچیا

نوشت که «اتحاد عمل می‌کنیم» و تصویب مجدد نظر کنونی این سازمان که «می‌توانیم اتحاد عمل کنیم» نادرست است. چون این جمله همان‌گونه که تا به حال عمل گردیده یک پرنسپ را توضیح می‌دهد و در عمل سیاسی یا هزار و یک اما و اگر «می‌توانیم اتحاد عمل کنیم ولی نمی‌کنیم» تبدیل می‌شود. ایشان همچنین از تقسیم‌بندی جدید این

## بهای اشتراک «کار»

اروپا:  
شش ماه - ۴۵ مارک  
یک سال - ۹۰ مارک  
سایر کشورها:  
شش ماه - ۵۲ مارک  
یک سال - ۱۰۴ مارک

GER.....3 DM

## فرم درخواست اشتراک «کار»

اشتراک جدید  تمدید اشتراک  شماره اشتراک: ( )  
مدت اشتراک: شش ماه  یک سال

نام: \_\_\_\_\_  
آدرس: \_\_\_\_\_  
تاریخ: \_\_\_\_\_  
Name: \_\_\_\_\_  
Address: \_\_\_\_\_

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس «کار» پست کنید!

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v  
Postfach 260268  
50515 Koeln  
Germany

I.G.e.v

22442032

37050198

Stadtparkasse Koeln

Germany

Germany

شماره فاکس Fax:0049 - 221 - 3318290

# گزارش «برنامه توسعه سازمان ملل»

(۱)

هفتمین گزارش «برنامه توسعه سازمان ملل» (UNDP) سال ۱۹۹۶ منتشر شد. در «کار» شماره ۱۳۹ هم اشاراتی به این گزارش داشته‌ایم. تاکید این گزارش بر عمیق‌تر شدن شکاف جهانی اقتصادی و اجتناب از فقر و تورم‌زدگی است. گزارش اینبار تنها در برگزیده توسعه اقتصادی کشورهای نیست، بلکه در کنار آن توسعه انسانی کشورهای را هم مورد بررسی قرار داده است. این گزارش از نکات قابل توجهی برخوردار است و در اینجا بخشهایی از متن این گزارش از نظر نام می‌گذرد.

**وضعیت ۱/۶ میلیارد انسان نسبت به ۱۵ سال پیش بدتر شده است**

بیکاری شامل حال ۳۵ میلیون نفر از جمعیت کشورهای صنعتی شده است. در این کشورها حد متوسط میزان بیکاری ۸/۶ درصد در سال ۱۹۹۳ بوده که کمترین آن ۲/۵ درصد برای ژاپن و بیشترین آن ۲۳ درصد برای اسپانیا بوده است. از آنجایی که بسیاری از اشتغالات در مناطق روستایی صورت می‌گیرد، آمار بیکاری رسمی در کشورهای در حال رشد بسیار محدود می‌باشد. اما بیکاری جوانان در شهرها در کشوری نظیر کوبا ۲۹ درصد و در الجزایر ۲۱ درصد محاسبه شده است.

با توجه به کاهش درآمد، کشورهای زیادی اقدامات قابل توجهی در رابطه با آموزش و پرورش، بهداشت، طرحهای تنظیم خانوار و تهیه آب بهداشتی بعمل آورده‌اند. این گزارش کشورهای را بر اساس توسعه انسانی که معیارش میزان طول عمر، آموزش و پرورش و قدرت خرید می‌باشد طبقه‌بندی نموده است. در فهرست امسال در میان ۱۷۴ کشور جهان، کانادا در مرتبه اول و پس از آن آمریکا، ژاپن، هلند و نروژ قرار دارند. از کشورهای در حال توسعه، قبرس رتبه نخست را دارد و پس از آن کشورهای اسرائیل، باربادوس و باهاما قرار دارند. در این فهرست هنگ کنگ در مرتبه بالاتر از قبرس قرار دارد اما یک کشور مستقل محسوب نمی‌شود. گزارش توسعه انسانی لیست مخصوصی پیرامون تعدیل شکاف میان زن و مرد منتشر نموده که در آن سوئد در مرتبه اول، کانادا دوم، آمریکا چهارم و ژاپن دوازدهم قرار دارند. لیست اخیر در مورد فقدان نیازهای حیاتی برای زنان هشدار می‌دهد زیرا که برای زنان نقشی مرکزی و اصلی در خانواده و اجتماع قائل است.

گزارش توسعه انسانی اعلام می‌کند که ۲۱ درصد مردم کشورهای در حال رشد زیر خط فقر زندگی می‌کنند و ۳۷ درصد آنها از محروم بودن از حداقل امکانات رنج می‌برند. طبق اطلاعات و آمار ارائه شده در مورد رشد و فقر اقتصادی، هیچگاه ارتباطی خودجوش میان رشد اقتصادی، توسعه انسانی و اشتغال به وجود نیامده است.

**جهان در عرصه اقتصادی بسیار بیشتر از گذشته قطب‌بندی شده است**

مدیر نویسندگان گزارش توسعه انسانی «ریچارد جولی» می‌گوید: ارائه یک استراتژی برای حصول به رشد اقتصادی که بر اهمیت مردم و پتانسیل سودمندی آنها تأکید داشته باشد، تنها راه ایجاد فرصتهایی برای رسیدن به توسعه انسانی می‌باشد. کاملاً روشن است که معیارهای بین‌المللی جدید، نیازمند دفاع و حمایت از رهبران ملی جهت ایجاد اشتغال و توسعه انسانی بویژه برای کشورهای فقیر است. در این عرصه تجربه‌های موفقیت‌آمیزی در بعضی از کشورهای صورت گرفته است. مثلاً روند رشد اقتصادی نسبت به ۳۰ سال پیش سریع‌تر شده، طول عمر بیش از ۳۰

بقیه از صفحه ۸

ولایت‌گرایان ایدئولوژیک همواره از رهبران دینی می‌خواهند که در هر مورد به زور مستول شوند و دیکتاتوری پیشه کنند چرا که بدین طریق آنان تر می‌توان به اهداف دینی (دین ایدئولوژیک شده) دست یافت.

البته از این نکته نباید غافل شد که در دنیای امروز به دلیل امکانات دولت‌ها برای کنترل تام و تمام اجتماعی، دخالت در فرایندهای ارتباطی، تبلیغات و ایدئولوژیک کردن آموزش، دیکتاتوری به سرعت به دیکتاتوری تمامیت‌طلب مبدل می‌شوند. ولی همین ابزارها چاقوی دو دمی هستند که در خدمت به دیکتاتوری تمامیت‌طلب نیز جفا پیشه می‌کنند. همچنین بسیاری از نهادهای مدرن مانع اینگونه دیکتاتوری‌ها و تمامیت‌طلبی‌ها هستند.

حتی اگر پروژه انحصار قدرت در دست ولایت‌گرایان به انجام برسد، به دلیل استفاده‌های آنها از برخی روش‌های مربوط به نظام‌ها و برخورد‌های دموکراتیک، آنها پس از به قدرت رسیدن مجبورند به انتظاراتی که خود ایجاد کرده‌اند پاسخ گویند و نمی‌توانند با یکپارچگی تام و تمام قدرت انحصاری را در دست داشته باشند. این واقعیت پذیرفتنی است که عموم نظام‌های تمامیت‌طلب در دوران معاصر از دل دموکراسی و شرایط آزاد زاده می‌شوند و ۲۰ هر چه قدر که نظام ماقبل تمامیت‌طلبی، دموکراتیک‌تر باشد تمامیت‌طلبی به دلیل شفافیت‌های قبلی، آسان‌تر به قلع و قمع می‌پردازد. ولی آنها که با استفاده از این ابزار بر سر کار می‌آیند، توسط همان روش‌ها کنار می‌روند یا بر سر عقل می‌آیند. همچنین هیچ ضرورتی وجود ندارد که دموکراسی به دیکتاتوری منجر شود.

ولایت‌گرایان (هر سه گرایش شرعی، معنوی و ایدئولوژیک) خواست‌های مشخصی دارند: (۱) ابتدای گفتارها، نوشتارها، فیلم‌ها و حتی آوازه‌ها بر ایدئولوژی تمامیت‌طلب، هنر متعدد به قدرت یا فقه و تبلیغاتی بودن فرهنگ؛ هر اثر هنری باید معطوف به تحکیم قدرت موجود باشد؛ (۲) کم‌رنگ شدن همه بنیادهای مدرنیته در حد ممکن، حتی پدیده شهر؛ (۳) کم‌رنگ شدن تبعات یا همراهان توسعه اقتصادی (توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی) و ایده مشارکت که محور توسعه است؛ (۴) کم‌رنگ شدن روندهای عرفی و دنیوی، البته به جز در حوزه قدرت، چرا که قدرت بیش از همه به دنیوی کردن دین می‌پردازد. هر نوع تفسیری از دین که به صورت ایدئولوژی عرضه می‌شود، دین را دنیوی می‌کند، چون ایدئولوژی یعنی ایده معطوف به مبارزه سیاسی و کسب قدرت. ولایت‌گرایان شرعی و ایدئولوژیک دین را از طریق ایدئولوژی، دنیوی می‌کنند و ولایت‌گرایان معنوی از طریق تحویل آن به قدرت سیاسی؛ (۵) انحصار مسدودیت دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغاتی، چرا که این عناصر را مهم‌تر از دیگر ابزارهای کسب و حفظ قدرت سیاسی می‌دانند؛ (۶) انطباق قدرت سیاسی یا قدرت الهی که بهترین شکل آن از نظر ولایت‌گرایان، اضمحلال نهاد دین در نهاد دولت است؛ (۷) نفی دموکراسی با توجه ابتدای آن بر نفس اماره انسان. ولایت‌گرایان دموکراسی را توسعه‌طلبی نفس اماره در ساحت نفس اماره جمعی معرفی می‌کنند. البته در این نفس اماره همه شریک هستند به جز گروهی که بدان توجه دارد و آن را بیان می‌کنند.

ولایت‌گرایی معنوی یک جریان روشنفکری است که علیه اسلاف خویش ظاهراً قیام می‌کند ولی ولایت‌گرایی شرعی از دل حرکت‌های توده‌ای بیرون می‌آید. ولایت‌گرایی ایدئولوژیک نیز سبزی از دل جریان روشنفکری و روشنفکری مذهبی بیرون آمده است اما به شدت‌ترین وجه به مخالف آن مبدل شده و علیه آن

## اقتدارگرایی دینی در ایران

نیست که طبقات رو به نابودی تمایل داشته باشند وضعیت را از بیخ و بن تغییر دهند (وضعیت آلمان و ایتالیای قبل از جنگ جهانی دوم) یا یکی از طبقات با خطر زوال روبرو باشد و در صدد حفظ منزلت و قدرت خویش برآید. بلکه اقشار و طبقاتی در حال گسترش به دنبال کسب خواست‌ها و منافع خود هستند. اقتدارگرایی مذهبی از همین موقعیت استفاده می‌کند و خواست‌های این طبقات را در جنب خواست‌های خود مطرح می‌کند تا پشتیبانی آنها را به دست آورد. عدالت اجتماعی یا توسعه اقتصادی که توسط اقتدارگرایان مذهبی (عدالت توسط ولایت‌گرایان ایدئولوژیک و عدالت و توسعه توسط ولایت‌گرایان شرعی) مطرح می‌شود صرفاً خواستی در جنب و حاشیه خواست‌های سیاسی آنهاست. منافع قدرت بسیار فراتر از امکان بسط برابری‌های اجتماعی یا رفاه عمومی است.

شوریده است، چرا که نمی‌خواهد بر اساس ایدئولوژی، بدانها منتسب شود. تمسک به آزادی برخی از روشنفکران دینی توسط ولایت‌گرایان ایدئولوژیک ناشی از دل‌بستگی پیشین و عدم ظهور گزینه جدید است و در مجموعه آزادی آنها جایی ندارد.

ولایت‌گرایان معنوی صرفاً به تقرب به دستگاه حکومت می‌اندیشند و کاری با توده ندارند. اما طبقات محروم جامعه که می‌خواهند منافع و خواست‌هایشان به حساب گرفته شود و از مجراهای موجود نمی‌توانند به امیال و خواست‌هایشان دست یابند گروه‌هایی هستند که ولایت‌گرایان ایدئولوژیک و شرعی چشم به آنها دارند. این گروه‌ها از پختگی لازم برای بهره‌برداری مقطعی از پیشرفت خود برخوردار نبوده‌اند و تلاش آنها به نفع اقتدارگرایی تمام می‌شده است. در ایران وضعیت بدین گونه

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- ارجاعات شماره ۹ و ۱۰ از کتاب زیر نقل شده‌اند.
- ۲- Griffin, Roger. The Nature of Fascism. Routledge, London and New York, 1991.
- ۳- مدیر مسئول صبح، «بنده حاضر جان خود را بدهم تا چنین آزادی (آزادی احزاب و تضارب آرا) متحقق پیدا نکند». ایران، ۷۲/۹/۲۷.
- ۴- «تمام دیکتاتورهای امروز از شرایط دموکراتیک برخاسته‌اند، نومان، فرانسن، آزادی و قدرت و قانیه ترجمه عزت‌الله فولادوند، خوارزمی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۳۵۰.
- ۵- نگاه کنید به «توسعه و اباحه»، صبح، شماره‌های ۱۶ - ۷، ۲۰ مرداد و شهریور ۱۳۷۲.
- ۶- محمد ارغون نادر به تبعیت قدرت سیاسی از قدرت الهی اعتقاد دارد و معتقد است که از دستورالعمل‌ها و آیات قرآنی چنین استنباط می‌شود (اسلام، دیروز و امروز، ترجمه غلامعباس توسلی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۲۲۲). ارغون معتقد است که در تاریخ گذشته جوامع اسلامی قدرت الهی از قدرت سیاسی تبعیت می‌کرده و این امر باید بازگردد. مفهومی که از واژه «تبعیت» مستفاد می‌شود حاکمیت بی‌اندان (روحانیون، روشنفکران یا هر گونه مرجع دینی صلاحیت‌دار) و تبعیت عوامل اجرایی و دولت از آن‌هاست.
- ۷- فرغ غلتیدن در مدافعه از وضع موجود مشرق، دوره اول، ش ۶، شهریور و مهر ۱۳۷۲، ص ۱۲. ممکن است در مورد تغییر مواضع سیاسی نویسنده پرسش مقدری وجود داشته باشد. در پاسخ باید گفت که اولاً این اولین بار نیست، نویسنده مزبور در مقاطع حساس سیاسی تغییر موضع خود را اعلام می‌کند و ثانیاً این مقوله از بحث‌های وی از مباحثی هستند که در عین تغییر مواضع متداول مطرح شده‌اند و به ترجمه‌جات جزئی وی مستقیماً مربوط نمی‌شوند. ما صرفاً به دلیل روشنی و شفافیت بیشتر مواضع پیرامون ولایت معنوی از نوشته‌های او استفاده کرده‌ایم و لاخبر.
- ۸- نامه تشریحی برگرفته اساطیر.
- ۹- مطهری، مرتضی، انسان و ایمان، ص ۲۵۷، ص ۹۹، بازارگان، مهدی، نیکبازی، شرکت سهامی انتشار، (بی‌تا) ص ۱۱۲.
- ۱۰- حکومت دموکراتیک دینی، کبان، ۱۱ ص ۱۵.
- ۱۱- مشرق، ش ۵، مرداد، ۱۳۷۲، ص ۵.
- ۱۲- نامه تشریحی، ص ۸۹.
- ۱۳- منبع قبل، صص ۸۹-۹۱.
- ۱۴- سیر تفکر جدید در جهان و ایران، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش ضمن خدمت، تهران، ۱۳۶۰، صص ۴۹-۵۲.
- ۱۵- منبع قبل، ص ۸۷.
- ۱۶- هموز استیوارت، ه راه فریخته، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲، ص ۳۲.
- ۱۷- چون دانش و تکنولوژی نمی‌توانند برای ما عزت بیاورند، طبیعتاً باید به دین تسک جست (نگاه کنید به سروش، عبدالکریم، درک عزت‌آزاده دین، کبان، ص ۱۱۹).
- ۱۸- Voegeline, E. The New Science of Politics, university of Chicago press. Chicago and London, 1952, p. 163.
- ۱۹- Gentile, E., Fascism as Political Religion. Journal of Contemporary History. Vol. 25, No. 2-3, 1990.

## برگزاری دوم سازمان اتحاد فداییان خلق

بحث دیگر این کنگره تصویب سند تحت عنوان خط مشی ما بود. سند خط مشی ما با ۷۴ درصد آرا به تصویب رسید. در این سند آمده است: «سازمان اتحاد فداییان خلق ایران یک سازمان کمونیستی است که، خواهان لغو نظام سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم در ایران است.» در ادامه سند آمده است: ۵ - سوسیالیسم، نه یک ایده‌ی کلی، نه حکم پیشاپیش صادرشده‌ی جبر تاریخی، بلکه برنامه‌ی انجام تحولات اجتماعی، امر انتخاب‌پذیر آزادانه‌ی اکثریت جامعه است. در ایران، در شرایط کنونی اولین گام لازم برای گذار به سوسیالیسم، رهایی جامعه از سلطه‌ی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه‌ی دموکراتیک و متکی بر اراده‌ی آزاد و انتخاب و انتخاب آگاه مردم ایران است میزان موفقیت در این گذار مشروط بر قدرت عمل و نفوذ جنبش کارگر برای پیشبرد آن در مقیاس کل جامعه است.

بقیه از صفحه ۱۰

- ۱ - حرکت سیاسی تبلیغی فعال با هدف اصلی تأثیرگذاری بر جنبش طبقه کارگر و جنبش دموکراتیک مردم ایران در داخل کشور. در حرکات تبلیغی، استفاده از رسانه‌های عمومی ارتباط جمعی که صدایشان در ایران شنیده می‌شود و اشکال دیگر نظیر... می‌بایست مورد توجه قرار گرفته و برایشان برنامه‌ریزی صورت گیرد. تبلیغات سیاسی ما با مضامین افشاگری علیه رژیم، طرح شعارهای ملموس مبارزاتی و تبلیغ ایده اتحاد نیروهای چپ و ترقیخواه صورت خواهد پذیرفت.
- ۲ - تقویت نشریه اتحاد کار از طریق اختصاص بیشتر نیرو و امکانات به آن.
- ۳ - سازماندهی اقدامات و حرکات اعتراضی و افشاگرانه علیه رژیم در همکاری با سایر نیروها در اشکال اتحاد عمل سازمانی و تشکیل‌های دموکراتیک»

## درگیری فلسطینی‌ها با ارتش اسرائیل نزدیک به صدکشته بر جای گذاشت

### آیا روند صلح به طور قطع شکست خورده است؟

هفته گذشته، مناطق اشغالی فلسطین شاهد شدیدترین درگیری‌ها بین فلسطینی‌ها و ارتش اسرائیل از هنگام اشغال این مناطق توسط اسرائیل در سال ۱۹۶۷ بود. فلسطینی‌ها به بهانه گشایش یک تونل در امتداد تپه‌ای که مسجدالاقصی در بیت‌المقدس بر آن قرار دارد، و در حقیقت در اعتراض به عدم اجرای تعهدات صلح توسط اسرائیل، دست به تظاهرات زدند و با ارتش اشغالگر اسرائیل در شهرهای بین‌المقدس،

اختلاف در بیت‌المقدس نیز به دعوت عرفات صورت گرفت. عرفات دریافته است که اگر رهبری اعتراض فلسطینی‌ها را در دست نگیرد، میدان را به حماس و سایر گروه‌های افراطی بنیادگرا خواهد سپرد.

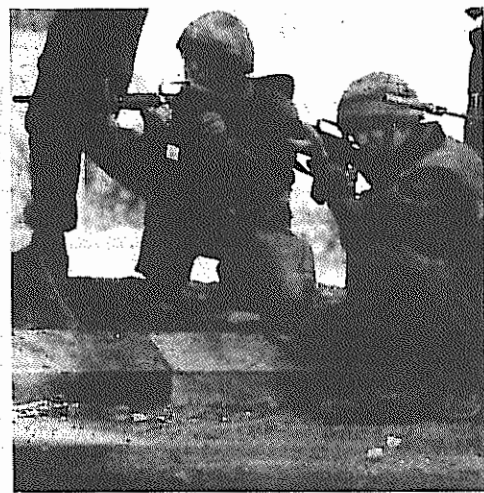
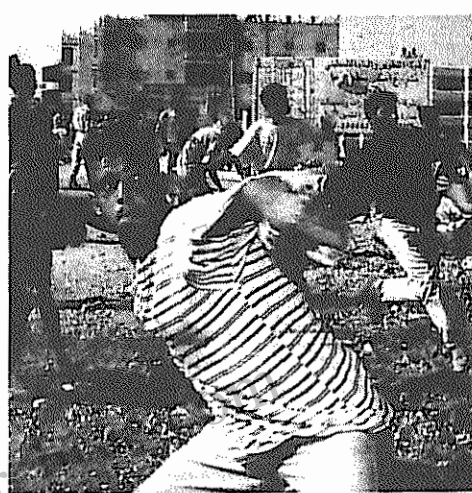
### تونلی که چون جرقه بشکوه باروت را منفجر کرد

گشودن تونلی در بیت‌المقدس، بی‌شک حکم جرقه‌ای را داشت که بشکوه باروت را منفجر کرد. علت اصلی

دولت اسرائیل دانست. وی افزود حمله ارتش اسرائیل به نمازگزاران روز جمعه در مسجدالاقصی، مغایر با تعهدات تلفنی نتانیاهو است و قابل تحمل نیست.

### مواضع افراطی نتان یاهو

روز جمعه گذشته، نتان یاهو در یک کنفرانس مطبوعاتی نشان داد که از وخامت اوضاع درس نگرفته است و شاید حتی عمداً دست به تحریک فلسطینی‌ها زده است تا دریابد تا چه



## دکتر محمد نجیب‌الله به دست طالبان

### جنایتکارانه به قتل رسید

بین‌المللی در این شهر به سر می‌بردند، تا آخرین ساعات پنجشنبه ۵ مهرماه در حال فرار از کابل بودند. دو هواپیمای شهروندان خسارتی را از پایتخت افغانستان خارج کردند.

طالبان اکنون دوسوم افغانستان را در کنترل خود دارند. آنان در نخستین روز حکومت خود در کابل، دستور دادند که زنان دیگر به سرکار نروند و بدون حجاب کامل و روپنده در ملا عام ظاهر نشوند. این در حالی است که در کابل، نیمی از کارمندان غیر نظامی دولت را زنان تشکیل می‌دهند. در آن مناطق افغانستان که تحت کنترل طالبان است، مدارس دخترانه تعطیل شده‌اند و مجازات قرون وسطایی مانند سنگسار و قطع اعضای بدن، رایج است.

در شهریورماه، طالبان با فتح جلال‌آباد واقع در شرق افغانستان، پیشروی خود را به سوی کابل آغاز کردند. این پیشروی، در فاصله جلال‌آباد تا کابل با مقاومت چندانی از سوی نیروهای دولتی مواجه نشد. با این حال، به گفته منابع صلیب سرخ بین‌المللی، دو روز جنگ در حومه کابل در هفته گذشته صدها کشته به

مأموران راهتمایی و رانندگی است. چند خیابان دورتر از این مکان، محوطه مقر سازمان ملل قرار دارد که نجیب‌الله از چهار سال پیش که از قدرت کناره گرفت، در آن پناه یافته بود. برادر نجیب‌الله نیز که در دوره حکومت شش ساله نجیب‌الله، مسئولیت‌های امنیتی بر عهده داشت، به همراه نجیب به قتل رسید.

ملا محمد ربانی، رئیس شورای شش نفره موقتی که از سوی طالبان، به حکومت کابل گماشته شده است، در توجیه قتل نجیب‌الله گفت وی مخالف اسلام و کمونیست بود و از این پس در افغانستان هر کس با اسلام مخالفت کند، جزایش همین است.

سرنوشت نامعلوم برهان‌الدین ربانی، احمدشاه مسعود و گلبدین حکمت‌یار

برهان‌الدین ربانی رئیس جمهور، گلبدین حکمت‌یار نخست‌وزیر و احمدشاه مسعود وزیر دفاع افغانستان که با فتح کابل توسط طالبان، تاگزیر از ترک شهر شدند، در محل نامعلومی به سر می‌برند. اکثر مقامات و نیروهای وفادار به دولت ربانی - حکمت‌یار، شب جمعه گذشته، هنگامی که طالبان

روز جمعه ششم مهرماه، کابل پایتخت افغانستان که در ۲۰ سال اخیر، مردم آن بس رنج‌ها و مصیبت‌ها را متحمل شده‌اند، شاهد یکی دیگر از سیاه‌ترین فصل‌های تاریخ معاصر افغانستان بود. قشون بنیادگرایان افراطی موسوم به طالبان، که با کمک پاکستان و عربستان مجیز و تا دندان مسلح شده‌اند، وارد کابل شدند و بلافاصله، گوشه‌ای از نقشه‌ای را به نمایش گذاشتند که برای آینده افغانستان تدارک دیده‌اند. نخستین اقدام طالبان، به دار آویختن دکتر نجیب‌الله رئیس جمهور اسبق افغانستان و برادرش بود.

نحوه قتل نجیب‌الله و برادرش، آن‌چنان نمونه‌ای از سببیت و درنده‌خویی بود که در دنیای معاصر کم‌سابقه است. در طول روز جمعه هفته گذشته، جسد مقله شده نجیب‌الله از یک سکوی ۶-۷ متری در مقابل کاخ ریاست جمهوری کابل آویزان بود و در معرض تابش آفتاب داغ کابل قرار داشت. آثار جراحات ناشی از اصابت گلوله و نیز کوفتگی‌های ناشی از وارد آمدن ضربات، بر چناره نجیب‌الله دیده می‌شد. سکویی که طالبان برای به



اهالی کابل در وحشت از طالبان در حال گریز از شهر

جای گذاشت. هنگامی که طالبان به بل چرخي واقع در نزدیکی کابل رسیدند، هواپیماهای دولتی مهاجمان را زیر آتش گرفتند. بقیه در صفحه ۲

به دروازه‌های کابل رسیده بودند، در پناه تاریکی از شهر گریختند. همچنین هزاران نفر از مردم کابل و شهروندان خارجی که از سوی گروه‌های امداد

نمایش گذاشتن پیکر نجیب‌الله برگزیدند، در یکی میدان آریانا که یکی از پررفت و آمدترین میدان‌های شهر است قرار دارد و معمولاً مورد استفاده

حدمی تواند به آنها فشار وارد آورد. نتان یاهو مدعی شد رهبران فلسطینی، مسئول وخیم شدن اوضاع‌اند. و افزود عرفات اگر بخواهد، می‌تواند مردم فلسطین را آرام کند. وی گفت قصد ندارد در تصمیم گشودن تونل بیت‌المقدس که به درگیری‌های اخیر منجر شد، تجدید نظر کند.

### جلوگیری آمریکا از محکومیت اسرائیل در سازمان ملل

در شورای امنیت سازمان ملل، نماینده آمریکا بار دیگر از محکومیت اسرائیل به خاطر تعرض به اماکن مذهبی مسلمانان جلوگیری کرد. با اینکه کلینتون رئیس جمهوری آمریکا از دو طرف خواسته است از هر اقدامی که اوضاع را وخیم‌تر کند، خودداری ورزند، به نظر نمی‌رسد دولت کلینتون، چند هفته قبل از انتخابات ریاست جمهوری و کنگره آمریکا، به اعمال فشار جدی بر اسرائیل روی آورد.

جامعه پرنفوذ یهودیان در آمریکا، نیرویی است که کلینتون در انتخابات به حمایت آن نیاز دارد. در ماه‌های اخیر نیز آمریکا هیچ اقدام جدی برای وادار کردن اسرائیل به انجام تعهدات صلح خود انجام نداده است. تا وقتی این سیاست آمریکا ادامه دارد، امید چندانی به تحول جدی در مشی دولت دست‌راستی نتانیاهو نیست.

### عواقب وخامت اوضاع

وخامت اوضاع در فلسطین که بی‌شک روند صلح را با خطرات جدی مواجه کرده است، در سطح منطقه عواقب گسترده‌ای دارد. تحولات اخیر، مواضع افراطی ضد صلح را تقویت کرده است. از جمله، جمهوری اسلامی می‌تواند با انگشت گذاشتن بر سیاست تجاوزگرانه نتانیاهو، ادعا کند که در ارزیابی روند صلح، همواره محق بوده است و فلسطینی‌ها بدون جنگ با اسرائیل و نابودی آن، هرگز به حقوق خود دست نخواهند یافت.

اکنون عواقب وخیم پیروزی حزب بقیه در صفحه ۳

ناآرامی‌های مناطق اشغالی، سرخوردگی توده‌های فلسطینی از روند صلحی است که با روی کار آمدن دولت نتانیاهو، عملاً متوقف شده و تا کنون بهبود چندانی در زندگی مردم فلسطین به ارمغان نیاورده است. سرزمین آنها همچنان در اشغال ارتشی بیگانه است، و دولت اسرائیل بعد از حملات تروریستی حماس، ده‌ها هزار فلسطینی را که روزها در اسرائیل کار می‌کردند، از ورود به اسرائیل و بدین ترتیب از تنها ممر درآمدشان محروم کرده است. تصاحب غیرقانونی اراضی فلسطینی‌ها توسط شهرک‌نشینان یهودی با حمایت ارتش اسرائیل ادامه دارد و از کمک‌هایی نیز که کشورهای غربی در صورت آغاز روند صلح وعده داده بودند، خبر چندانی نیست. در این شرایط، بهانه‌ای مانند گشودن تونل بیت‌المقدس کافی بود تا ششم فروخورده فلسطینی‌ها را به فوران برساند.

تونل مزبور، در امتداد ارتفاعاتی است که مسجدالاقصی بر فراز آن قرار دارد. فلسطینی‌ها اقدام دولت اسرائیل در گشودن این تونل را توطئه‌ای خنثه برای محروم کردن آنان از کنترل اماکن مذهبی خود می‌دانند.

### گفتگوی عرفات و نتانیاهو

به دنبال آغاز درگیری‌های مناطق اشغالی، یک گفتگوی تلفنی میان عرفات و نتانیاهو صورت گرفت. به دنبال این گفتگو، عرفات صبح روز جمعه ششم مهرماه از طریق ایستگاه رادیویی دولت خودمختار، مردم را به حفظ آرامش فراخواند. در این روز، افراد پلیس فلسطینی از درگیر شدن با اسرائیلی‌ها خودداری کردند و هرچا که توانستند، از پیشروی تظاهرکنندگان فلسطینی به سمت پست‌های ارتش اسرائیل خودداری کردند.

با این حال، در روز جمعه هفته گذشته نیز ده‌ها نفر در تیراندازی ارتش اسرائیل به سمت تظاهرات فلسطینی‌ها کشته شدند. عرفات، مسئولیت این ناآرامی‌ها را بر عهده

رام‌الله، نابلس و الخلیل واقع در کرانه غربی رود اردن و نیز در نوار غزه درگیر شدند. با به رگیار بسته شدن فلسطینی‌ها توسط سربازان اسرائیلی، پسای پلیس حکومت خودمختار فلسطینی نیز به زد و خوردها کشیده شد. تا روز شنبه هفتم مهرماه، نزدیک به صد نفر در درگیری‌های مناطق اشغالی جان خود را از دست دادند. اکثر این قربانیان را جوانان فلسطینی تشکیل می‌دادند که بر علیه قوای اشغالگر دست به تظاهرات زده بودند. حداقل ۱۱ نظامی اسرائیلی نیز در درگیری‌های هفته گذشته کشته شدند.

خونریزی‌های هفته گذشته، این پرسش را مطرح کرد که آیا روند صلح در خاورمیانه به طور قطع شکست خورده است یا هنوز امیدی هست که دولت اسرائیل، به تعهدات خود در قرارداد صلح با فلسطینی‌ها عمل کند، به عقب‌نشینی ارتش خود از الخلیل که ماه‌ها پیش باید انجام می‌شد، جامه عمل بپوشاند و از هر گونه اقدام تحریک‌آمیز نظیر تعرض به اماکن مذهبی فلسطینی‌ها در بیت‌المقدس خودداری ورزد. تا کنون، دولت دست‌راستی نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، هیچ فرصتی را برای اعمال فشار بر فلسطینی‌ها و شانه خالی کردن از تعهدات دولت‌های قبلی رابین و پسرز، از دست نداده است. دولت اسرائیل به گسترش آبادی‌های یهودی‌نشین در مناطق فلسطینی‌ها ادامه می‌دهد و می‌گوید هرگز تشکیل دولت مستقل فلسطینی را نخواهد پذیرفت.

دولت خودمختار فلسطینی به رهبری یاسر عرفات که تا چندی پیش، عملاً در برابر موارد آشکار نقض قرارداددهای دوجانبه توسط اسرائیل، ناگزیر از عقب‌نشینی و در پیش گرفتن سیاست صبر و انتظار شده بود، در هفته‌های اخیر، مردم فلسطین را به اعتراض علیه اسرائیل فرا خوانده است. تظاهرات علیه گشودن تونل مورد